

«آگاه» در گزارشی به بررسی مواضع جدید دبیرشعام، رئیس مجلس و فرماندهان نیروهای مسلح پرداخت

تعریف جدید عملیاتی در تنگه هرمز

نهادی بین المللی که پیاده نظام سیاسی آمریکا شده است

آژانس بی اعتبار

روایتی از پیوند خون، حماسه و مادرانگی

ژاله در خون

کوچ اجباری مستاجران تهران به حاشیه

سقف زندگی کوچک می شود



نگاهی به تریلر تاریخی – سیاسی لباس شخصی که هفت سال پشت درهای توقیف ماند

نفوذی ها برای خرابکاری اسلحه نمی کشند

کافی است صبح یک روز کاری سوار مترو شوید یا سری به یکی از همین خیابان های همیشه شلوغ بزنید. جمعیت موج می زند، اما غریب تر از خود جمعیت، سکوت درون آن است. آدم ها حرکت می کنند بی آنکه «پیوند» کار می کنند بی آنکه پسانند، زندگی می کنند بی آنکه زیسته باشند. این، حال امروز مردمی است که از فرط فشار، نه فریاد که نفس نفس می زنند.



از پس که جان...



مجیدی مشهدی محمد دبیر گروه فرهنگ

فشارهای تحریمی خزانه داری آمریکا علیه ایران، پس از ناکامی در تحمیل اهداف خود از مسیر نظامی، باردیگر اقتصاد و معیشت مردم را هدف گرفته است؛ اما پرسش اصلی این است که آیا بازار داخلی نیز باید به اتاق عملیات جنگ اقتصادی دشمن تبدیل شود؟ پاسخ روشن است؛ تحریم هر اندازه هم گسترده باشد، نباید بیهانه ای برای التهاب بازار، جهش ارزی و کاهش قدرت خرید مردم شود.

آمریکا در هفته های اخیر از تشدید فشارهای اقتصادی و اعمال تحریم های جدید علیه ایران سخن گفته و مقام های این کشور نیز اعلام کرده اند که تمرکز دور تازه فشارها بر شبکه های مالی و اقتصادی ایران خواهد بود. در عین حال، اسناد و اعلامیه های رسمی وزارت خزانه داری آمریکا نیز از تداوم و گسترش اقدامات تحریمی علیه بخش های مختلف اقتصاد ایران حکایت دارد. با این حال، تجربه سال های گذشته نشان داده است که همه آثار تحریم ها مستقیما از خارج به اقتصاد ایران تحمیل نمی شود. بخش قابل توجهی از فشار اقتصادی، از لحظه ای آغاز می شود که خبر تحریم به بازار ارز منتقل شده، انتظارات تورمی را تحریک می کند و بیهانه ای برای افزایش قیمت ها در بازارهای مختلف می شود. در چنین شرایطی، گاه یک شوک سیاسی یا خبری، پیش از آنکه اثر واقعی خود را بر تجارت و اقتصاد کشور نشان دهد، در نرخ ارز، قیمت کالا و هزینه زندگی مردم منعکس می شود.

به همین دلیل، امروز مهم ترین وظیفه سیاست گذار اقتصادی، جلوگیری از انتقال فشار تحریم به سفره مردم است. تحریم رانمی توان نادیده گرفت و آثار آن را انکار کرد. اما نمی توان اجازه داد فضای روانی ناشی از تحریم، به عاملی برای تشدید بی ثباتی های داخلی تبدیل شود. به تعبیر بسیاری از کارشناسان، بخشی از تحریم های جدید بیش از آنکه در کوتاه مدت تغییری بنیادین در واقعیت اقتصاد ایران ایجاد کند، با هدف ایجاد شوک روانی، افزایش نگرانی در بازار و تحریک انتظارات تورمی طراحی شده است؛ بنابراین مدیریت فضای روانی بازار، به اندازه مقابله با آثار واقعی تحریم اهمیت دارد. سید علی مدنی زاده، وزیر اقتصاد و امور دارایی با اشاره به سخنان اخیر مقامات آمریکایی درباره فشار اقتصادی، انزوای ایران و قطع ارتباطات مالی اظهار کرد: اقتصاد ایران مجموعه ای بزرگ از مردم، نگاه ها، کارآفرینان، تولیدکنندگان، صادرکنندگان، تجار، کشاورزان، مهندسین و میلیون ها فعال اقتصادی است که طی سال های گذشته و در سخت ترین شرایط تحریمی، راه های جدیدی برای تولید، تجارت و تأمین مالی پیدا کرده اند. وی در یک پیام ویدئویی افزود، امروز نیز با وجود فشارها و دشواری های ایجاد شده، تجارت، تولید، صادرات و واردات در کشور برقرار است و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم به خوبی تأمین می شود. عدم همراهی بسیاری از کشورهای جهان با سیاست های آمریکا و همچنین گفت وگوها و پیگیری های صورت گرفته با کشورهای منطقه و کشورهای همسو، مانع تحقق اهداف تحریمی دشمنان شده است. وزیر امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر اینکه دولت متکثر مشکلات اقتصادی کشور نیست، گفت: مسئولیت اصلاح اقتصاد ایران بر عهده دولت و مردم ایران است، نه وزارت خزانه داری آمریکا. آنها از فروپاشی و خفگی اقتصاد ایران سخن می گویند، اما ما از اصلاح ساختار اقتصادی، افزایش بهره وری، توسعه تجارت و تولید، جذب سرمایه و گسترش روابط اقتصادی صحبت می کنیم. مدنی زاده را هبدر اقتصاد دولت را تنوع بخشی به شرکای تجاری، توسعه تجارت منطقه ای، تقویت بخش خصوصی، کاهش وابستگی یود به درآمد های نفتی،

مردمی که جان ندارند، مراد از «جان» فقط نیروی بدنی نیست، جان، آن رمق پنهان است که صبح آدم را از رختخواب بلند می کند، آن باور که فردا بهتر از امروز خواهد بود، آن حوصله که برای فرزندت قصه گوئی، برای همسایه لیخن بزنی، برای آرمانی هزینه بدهی، وقتی این جان بروت، بدن ها می مانند و حرکت ها بدون شور و معنا ادامه دارد. آدم ها به ماشین های بقا تبدیل می شوند. حساب می کنند، می سنجند، پس انداز می کنند، در صف ویزا می ایستند و در دل همه این محاسبات، جایی برای «فردا» خالی می ماند.

این فرسودگی، بی سبب نیست. سال هاست جامعه میان بحران های پی درپی پاسکاری می شود، توری که قدرت خرید را آب می کند، حقوقی که آب رفته و قیمت هایی که قد کشیده اند، اخباری که هر صبح، بدتر از دیروز آغاز می شود، موج مهاجرتی که هر سال جمعی از بهترین جوانان را – به قول خودشان – «پرواز» می دهد و بازماندگان را با خاطره آنها تنها می گذارد. آدمی یک بار نمی شکند، او هزاران بار کوچک می شود. در صف گران تر شدن نان، در شتدن خبر رفتن دوست، در حساب کردن هزینه درمان، در جواب سربلای فرزندتی که می پرسد «آینده من چیست؟»

در همین حال از آنان خواسته می شود صورت باشند، مصرف را کم کنند، امید را حفظ کنند، فشار را تحمل کنند، برای فردا اما می بگذارند و هرگز خسته نشوند. از سوی دیگر، توقعات

خود مردم از زندگی – که روزی ساده و بدیهی می نمود، از سقفی کوچک، شغلی آبرومند، آینده ای قابل پیش بینی برای فرزند – هر روز دورتر و دورتر می شود.

خطر بزرگ، همین جاست. جامعه بی جان، نه می سازد و نه اعتراض می کند، فقط «تحمل» می کند و تحمل بی افق، گران ترین سرمایه یک کشور را می سوزاند، «سرمایه اجتماعی»، وقتی کسی باور نکند که سهمی از آینده دارد، نه برای آن کار می کند و نه برای آن می ایستد، آن گاه فرار، فرودگرایی ویرانگر، بی اعتمادی و بی تفاوتی به عقلانیت روزمره بدل می شود و این زخم، از هر بحران اقتصادی عمیق تر است. اقتصاد را می توان ترمیم کرد، اما جان رفته یک ملت را به سختی می توان بازگرداند.

اما درست در دل همین توتل، باید حقیقتی را بازگو کرد که هم تلخ است و هم ره های بخش. آینده، چیزی نیست که در انتظارش بنشینیم، چیزی است که باید بسازیم. تاریخ، هیچ ملتی را به یاد نمی آورد که از فرط خستگی نجات یافته باشد و هیچ آینده ای نیز خود به خود از راه نرسیده است. منتظر معجزه یا نسخه پیچیده شده از آن سوی مرزها بودن، خود، خود، خود، دیگری از همان بی جان شدن است؛ سپردن سرنوشت به دست دیگری.

البته «ساختن آینده» نباید به شعاری تازه برای فرسودن بیشتر بدل شود. نمی توان از مردمی که رمق ندارند خواست قهرمانانه یا به راه ناکارآمدی ها را به دوش بکشند.

الزامات بازارهای داخلی برای خنثی سازی تحریم ها

تحریم نباید مجوز گرانی شود

ضروری است. نمی توان پذیرفت که با انتشار خبر سیاسی، برخی بازیگران اقتصادی با افزایش قیمت یا احتکار، هزینه فشار خارجی را چند برابر کرده و آن را مستقیما بر مردم تحمیل کنند. اما کنترل بازار از به تنهایی کافی نیست. مهار تورم همچنان اصلی ترین مسیر حفظ قدرت خرید مردم به شمار می رود. اگر درآمد خانوارها افزایش پیدا کند اما قیمت کالاها یا سرعت بیشتری رشد کند، نتیجه ای جز کاهش سطح رفاه نخواهد داشت. دولت باید در شرایط تحریمی، بیش از گذشته بر کنترل عوامل داخلی تورم متمرکز کند. بخشی از تورم موجود در اقتصاد ایران، حاصل ناترازی های ساختاری، کسری بودجه، رشد نقدینگی، ضعف نظارت بر بازار است؛ مسائلی که ارتباط مستقیمی با تحریم ندارند و حل آنها نیازمند تصمیم های داخلی است. واقعیت این است که تحریم زمانی می تواند بیشترین اثر را داشته باشد که اقتصاد داخلی از قبل با ضعف های ساختاری مواجه باشد. بنابراین مقابله با تحریم فقط به معنای یافتن مسیرهای جدید برای تجارت نیست، بلکه به معنای اصلاح سیاست های پولی و مالی، کنترل کسری بودجه، جلوگیری از رشد بی ضابطه هزینه های دولت و افزایش انضباط اقتصادی نیز هست.

تست تحریم

مهرداد گودرزوندچگینی، نماینده مردم رودبار در مجلس با اشاره به تشدید تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران و راهکارهای جلوگیری از ایجاد شوک در بازار، اظهار کرد، آمریکا طی ادق اقل ۱۰۰ سال اخیر، بیشترین تحریم ها را علیه کشور ما اعمال کرده و به جرات می توان گفت دیگر تحریمی باقی نمانده که علیه ایران اعمال نکرده باشد. وی افزود، آمریکا از فروش نفت ایران گرفته واردات و صادرات کالا و حتی کالاهای اساسی را هدف تحریم قرار داده و تقریبا تمامی حوزه هایی را که می توانست به صورت مستقیم برسد زندگی مردم اثرگذار باشد. تحت فشار قرار داده است. وی با بیان اینکه تحریم های جدید آمریکا بیش از آنکه آثار اقتصادی مستقیم داشته باشد، با هدف ایجاد فشار روانی دنبال می شود، تأکید کرد، امروز بخش مهمی از آنچه آمریکا دنبال می کند، ایجاد و تشدید فشار روانی در جامعه است؛ فشاری که متأسفانه برخی جریان ها و افراد، چه در داخل و چه در خارج از کشور، به آن دامن می زنند. نایب رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس تصریح کرد، در چنین شرایطی، یکی از مهم ترین اقداماتی که مسئولان تراز اول کشور و رئیس جمهور می توانند انجام دهند، برگزاری جلسات مستمر با فعالان اقتصادی و واردکنندگان، صادرکنندگان و تولیدکنندگان داخلی و همچنین گفت وگو، مستقیم با مردم است تا با تبیین واقعیت های اقتصادی، کشور از فضای فشار روانی خارج کنیم. گودرزوندچگینی با تأکید بر اینکه همه مسئولان باید در این زمینه با مردم گفت وگو کنند، ادامه داد، یقین داشته باشید بخشی از گرانی هایی که امروز شاهد آن هستیم، الزاما ناشی از افزایش

ساختن آینده، پیش از هر چیز، بازسازی همین «جان» است، بازگرداندن اعتماد میان مردم و حاکمیت، شفاف کردن افق، کاستن فشار از شانه های طبقه ای که تا استخوان زیر بار رفته و پایان دادن به توقعات بی پایان از شهروندی که تنها یک زندگی معمولی می خواهد. امید را نمی توان دستوری کرد، اما می توان شرایطی ساخت که امید در آن برپود. ثبات، انصاف و دیدن مردم، نه به مثابه ابزار، که به مثابه هدف.

و در سطح جامعه نیز، ساختن آینده از جاهای کوچک آغاز می شود. از نگاهی که دوباره به هم دوخته شود، از همبستگی به جای رقابت ویرانگر، از ماندن و ساختن به جای بریدن و رفتن، برای آنان که امکان ماندن دارند، از مدرسیه ای که مغلطش جان دارد، از کازگاهی که کارگش فردا را می بیند، از گفت وگویی که جای فحش و نامیدی را بگیرد. آینده را به سخنران ها، که همین انتخابات های کوچک روزمره می سازند.

مردمی که جان ندارند، نباید شرمنده خستگی خود باشند، خستگی آنان گواه سال ها تلاش بی پاداش است. اما هیچ ملتی نیز حق ندارد در خستگی خود بماند، چرا که توقع واقعی تاریخ – برخلاف توقعات بی پایان امروز – تنها یک چیز است؛ ساختن، آینده، و عده ای نیست که به ما بدهند، خانه ای است که خود باید بنا کنیم و بنای آن، نخست با بازگرداندن جان به همین مردم آغاز می شود.

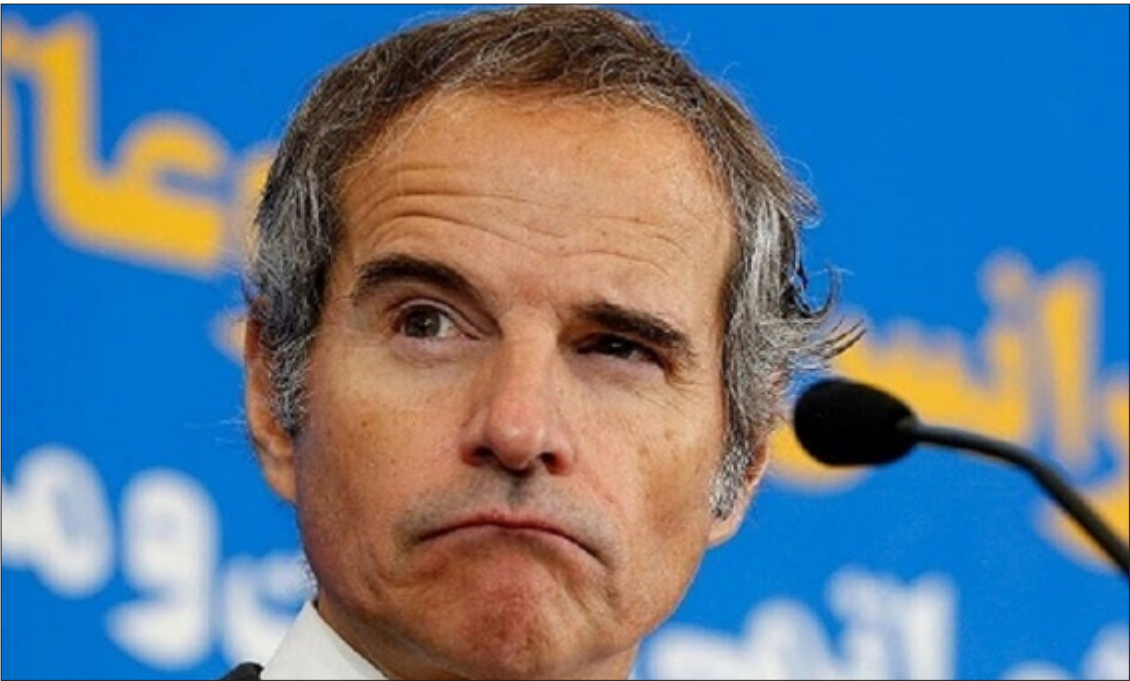
واقعی هزینه و ادرات با صادرات و تغییر در قیمت تمام شده کالا نیست، بلکه بخش قابل توجهی از آن تحت تأثیر فشارهای داخلی ایجاد شده و همین مسئله می تواند موجب افزایش نرخ ارز و رادامه بالا رفتن قیمت برخی کالاها شود.

کاهش نقدینگی، ضرورتی برای مهار تورم

اما یکی دیگر از مهم ترین ابزارهای حفظ قدرت خرید مردم، کنترل رشد نقدینگی است. افزایش بی ضابطه نقدینگی، اگر با رشد تولید و عرضه کالا و خدمات همراه نباشد، در نهایت خود را در افزایش سطح عمومی قیمت ها نشان می دهد. از این منظر، سیاست گذار پولی باید میان تأمین نیازهای واقعی اقتصاد و جلوگیری از خلق پول بی پشتوانه، تعادل برقرار کند. بانک ها نیز در این میان نقش مهمی دارند. هدایت منابع بانکی به سمت فعالیت های مولد و جلوگیری از تزریق نقدینگی به بازارهای غیرمولد، می تواند از فشار تورمی بکاهد. در مقابل، اگر نقدینگی به سمت ارز، طلا، زمین و دیگر بازارهای سفته بازانه حرکت کند، نه تنها تولید تقویت نمی شود، بلکه قیمت دارایی ها افزایش یافته و موج جدیدی از تورم شکل می گیرد. دولت باید همزمان با کنترل نقدینگی، زمینه هدایت منابع به سمت تولید را فراهم کند. تولید بیشتر، افزایش عرضه و کاهش هزینه های تولید، از مهم ترین سپرهای اقتصاد در برابر تورم و کاهش قدرت خرید مردم هستند. نکته مهم دیگر این است که نباید هر افزایش قیمت و هر ناکارآمدی داخلی به تحریم نسبت داده شود. تحریم نباید به پوششی برای ضعف مدیریتی، نبود نظارت و تصمیم های نادرست اقتصادی تبدیل شود. مردم زمانی احساس امنیت اقتصادی خواهند کرد که بدانند دولت میان فشار خارجی و مشکلات ناشی از مدیریت داخلی تفاوت قائل است و برای هر کدام برنامه مشخصی دارد. در شرایط کنونی، دستگاه های مسئول باید به سرعت هرگونه تلاش برای سوء استفاده از فضای تحریمی را شناسایی کنند. افزایش بی دلیل قیمت ها، احتکار کالا، ایجاد کمبود مصنوعی و دامن زدن به شایعات اقتصادی، در واقع تکمیل کننده فشار خارجی است و مقابله با آن باید در اولویت قرار گیرد. از سوی دیگر، اطلاع رسانی دقیق و شفاف نیز اهمیت ویژه ای دارد. خلأ اطلاعاتی، همواره بهترین فرصت را برای شایعه سازی و ایجاد التهاب فراهم می کند. دولت باید با ارائه تصویر روشن از وضعیت منابع ارزی، تأمین کالاهای اساسی و تصمیم های خود برای مدیریت اقتصاد، اجازه ندهد نگرانی های عمومی به تقاضای هیجانی در بازار تبدیل شود. با همه این تفاسیر فشارهای تازه آمریکا نشان می دهد که جنگ اقتصادی همچنان یکی از ابزارهای اصلی واشگتن برای اعمال فشار بر ایران است. اما موفقیت این فشارها تنها به میزان تحریم ها وابسته نیست؛ بخش مهمی از نتیجه آن به نحوه مدیریت اقتصاد داخلی بازمی گردد. اگر بازار ارز کنترل شود، انتظارات تورمی مدیریت شود، رشد نقدینگی کاهش یابد، تولید تقویت شود و نظارت بر بازار جدی تر شود، بخش بزرگی از ظرفیت تحریم برای ایجاد فشار بر زندگی مردم خنثی خواهد شد. در مقابل، اگر اخبار تحریمی به سرعت به چشم قیمت ارز و کالا تبدیل شود، عملا فشار خارجی بدون نیاز به ابزار جدید، به درون اقتصاد کشور منتقل خواهد شد. اکنون زمان آن است که دولت با اقدامات عملی و نه صرفا وعده و واکنش های مقطعی، دیوار میان تحریم و معیشت مردم را مستحکم کند. مردم نباید هزینه التهاب آفرینی در بازار، سوء مدیریت داخلی و بهره برداری سودگران از فضای تحریمی را بپردازند.

نهادی بین‌المللی که پیاده‌نظام سیاسی آمریکا شده است

آژانس بی اعتبار



همزمانی این فضا سازی ها با مقاطع حساس سیاسی و حقوقی از جمله نشست های شورای حکام آژانس بین‌النظامی می‌دهد که این ادعا های می‌تواند برای تثبیت دست برداری های غربی در برجام بین المللی طراحی شده باشد.

ایران یکی است که کشور از جادوگران سیاسی در یک تهدید وجودی برای ملیت صبح جهانی تبدیل شود، ابتدا باید یک روایت امنیتی درباره آن ساخته شود. فضا سازی درباره برنامه هسته ای ایران در چند چارچوب قابل تحلیل است، غرب مقابل ایران، اقداماتی مانند تشدید فشارهای اقتصادی، تحریم های بیشتر، عملیات سایبری، نروزه های هدفمند یا حتی مارجاوی نظامی معهود، به یک روایت توجیه کننده نیاز دارد و ممکن است در صورت تشدید فشارها علیه ایران، این ادعا را مطرح کند که ایران را بر آستانه دستیابی به بمب اتم برده و راه دیگری وجود نداشته است.

از همین روایه، حملات رسانه ای برنامه هسته ای ایران را نیز نباید صرفاً یک یو پوگاندهای رسانه ای دانست، بلکه این فضا سازی های توان بخشی (آژاماد سازی) حقوقی و رسانه ای برای اقدامات عملیاتی یا تحریمی آینده باشد. غرب می‌داند که نظم تک قطبی گذشته تضعیف شد و کشورهایی مانند چین و روسیه و بسیاری از کشورهای آسیای به سادگی زیر بار ائتلاف سیاسی های واشنگتن نمی‌تواند به همین دلیل، ادعا حرکت ایران را به سمت هسته ای شدن نظامی می‌تواند یکی از معهود کرات های غرب برای ایجاد اصطکاک میان ایران و سایر کشورها در عرصه بین المللی باشد. با این حال، این ترغیب نسبت به گندش کاری سابق را ندارد، چرا که شاکفاهمی ژئوپلیتیک در جهان افزایش یافته و روایت های هراس افکننده غربی برای آشکارا عمو می‌مانند گندش اعتبار ندارد، با این وجود، ایران این متغذله با این موضوع برخورد کند و لازم است سطح فعالیت رسانه ای و دیپلماتیک خود را در عرصه بین المللی افزایش دهد.

تجزیه و تحلیل روایت غربی مقابل بار پرسش های روشی و غرب قابل انکار به چالش بکشد ایران را نهاده ادعا های آینده شده درباره برنامه هسته ای ایران به ملیت برای اجماع سازی علیه کشور تبدیل شود.

تهران باید روایت طرف مقابل را با پرسش‌های روشن و غیرقابل انکار به چالش بکشد و اجازه ندهد ادعاهای اثبات نشده درباره برنامه هسته‌ای ایران به مبنایی برای اجماع‌سازی علیه کشور تبدیل شود.

یمنی‌ها با هدف قراردادن مجدد آرامکو، پاسخ جنایات مزدوران عربستان را دادند

خنجریمنی برگلوی سعودی متجاوز

سعودی در صدر دشمنان ملت یمن

محمّد الفرح، غمو و فقر سیاسی جنبش انصارالله یمن پیشتر در اظهاراتی ریاض را را دشمن درجه یک کشورش دانست و تأکید کرد که معادله محاصره عربستان در برابر محاصره یمن همچنان پابرجا است. محمّد الفرح در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: عربستان همچنان در صدر فهرست دشمن های یمن باقی خواهد ماند و ریاض با بسیج نیرو و تأمین مالی خود با هدف تحکیم اشغالگری، سيطرة و محاصره تعلیمی در ادامه می دهد.

وی تصریح کرد: «برستان مهمتان دشمن اول ما باقی خواهد ماند و این کشور با هیچ برهه‌ای خود و عناصر وابسته‌اش در رمی و حمایت مالی از آنها به دنبال مطمحده‌ای نیست». وی بر این اساس، بر عناصر مزدور برای محافظت از منافع، کشته‌ها را تاسیسات نفتی خود استفاده می‌کند.

الفرد احمد داد، مدیرکل سازمان گسترش و پویایی در برهه‌های نخستین جنگ، اصل‌الفرق اندامه داد، در بخشی از این گزاره گفت: «برستان مسوقی رخ می‌دهد، اصل‌الفرق نیست، بلکه چیزی از آن گذشته‌تر با برستان مسوقی است». وی افزود: «برستان مسوقی، یک هدف قرار دادن منافع برستان را نخواهد گرفت. عضو دفتر سیاسی می‌داند، چنانچه قرار دارد، برستان را خواهد گرفت».

جنش انصارالله تأکید کرد: «اهدایی که مردم برای بازگرداندن به آن وارد این درگیری شده‌اند، باید یادان به شاعاگرگی، دروغ‌ها و محاربه‌ها و بازگرداندن ثروت این کشور است». وی همچنین این اهداف در درگیری‌ها را «پایز جا خواهد ماند».

معه‌ال محاربه در برابر محاربه و تشدید تنش همه جانبه در برابر تشدید تنش همه جانبه باید کرد و حمله اخراجی است که با تاسیسات از آنکو در منطقه حیران برستان را درسی کار می‌آورد. این کارسای دانستن که باید عیسیت بگیرند.

وزارت خارجه می‌نیز در بیانیه‌ای با تأکید بر اینکه اندامه ارسال تجهیزات و اعزام نیرو در برابر حیران را در برهه‌های نخستین جنگ، اصل‌الفرق نیست، بلکه چیزی از آن گذشته‌تر با برستان مسوقی است. وی افزود: «برستان مسوقی، یک هدف قرار دادن منافع برستان را نخواهد گرفت. عضو دفتر سیاسی می‌داند، چنانچه قرار دارد، برستان را خواهد گرفت».



غرب با محوریت و سرکردگی رژیم متجاوز آمریکا به دنبال امنیت‌سازی دوباره پرنده هسته‌ای ایران با طرح ادعاهای واهی است. در این مسیر، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز که طبق اساسنامه پذیرفته شده جهانی‌اش باید غیرسیاسی و صرفاً تخصصی باشد، به پیمانکار سیاسی آمریکا تبدیل شده است.

در حالی که جمهوری اسلامی ایران همواره در چارچوب مقررات بین‌المللی و با حسن نیت کامل نسبت به تعهدات خود عمل کرده، غرب متجاوز و به سرکردگی آمریکا، جنایتکار، در تداوم سیاست‌های خصمانه می‌کوشد با پروژه امنیتی‌سازی، پرونده هسته‌ای ملت بزرگ ایران را که نماد صلح‌آمیز پیشرفت کشورمان است، ابزار فشار و باج‌خواهی قرار دهد.

ایالات متحده آمریکا همراه با انگلیس، فرانسه و آلمان در تلاش است شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه‌ای تصویب کند که پرونده هسته‌ای ایران را برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش دهد.

خبرگزاری رویترز روز جمعه ۱۳ شهریور به نقل از دیپلمات‌ها و با استناد به متن پیشنهادی قطعنامه گزارش داد که چهار کشور در حال رایزنی با دیگر اعضای شورای حکام ۳۵ عضو آژانس برای تصویب این قطعنامه هستند.

بر اساس پیش‌نویسی که رویترز مشاهده کرده است، شورای حکام از مدیرکل آژانس خواهد خواست قطعنامه جدید و قطعنامه‌های پیشین مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را برای اعضای آژانس، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال کند.

بی اعتباری اقدام اخیر غرب

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، در جریان نشست خبری روز گذشته خود درباره تلاش غرب برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت گفت: پیش نویس قطعنامه کشورهای غربی بر اساس گزارشی است که رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی منتشر کرده و قبلا هم باین الگو مواجه بوده ایم. هرکجا می آورند سراغ آژانس و گروسی می روند.

[illegible]

سخنگوی وزارت خارجه تصريح کرد؛ اقدام اخير غربي‌ها نشانه بدبيني است و نشان مي‌دهد غربي‌ها به دنبال تشديد اوضاع هستند. ايران حتماً تدابير لازم را نسبت به هر اقدامي مي‌انديشد. آزموه را از آزموه خواست. آژانس بين‌المللي انرژي اتمي به کتا به بر اساسنامه مورد پذيرش جهاني موقوف است تا ياداي غريبي‌سازي و صرفاً فني و تخصصي باشد، متأسفانه در سال‌هاي اخير از مسير امنيت و هر طرفي عدول کرده و به ابزاري در دست سياستمداران آمريکايي و صهيونيستي براي پيشرود اهداف استکباري بدل شده است. اينکه آژانس بين‌المللي انرژي اتمي به جاي اخلاقي و تفکيک و تخصصي و فني خود، به ترويج ياري انتشار اذاعاهاي واهي و همسوي با نيشات آمريکا تبديل شده، گواهي روشن بر شکست اخلاقي و متعابزه‌دايي انزادهاي بين‌المللي در عرصه نظم نوين جهاني است.

تشدید فضا سازی های غرب

اما ادعای نزدیک شدن ایران به بمب هسته‌ای که مستمسک غربی‌ها برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت قرار گرفته علاوه بر کارکرد تبلیغاتی، برای توجیه هزینه تراشی‌ها و تحرکات تهاجمی غرب نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یمنی‌ها با همد خند

بار دیگر، دستان توانمند نیروهای مسلح یمن، جبهه ثبات منطقه‌ای را در برابر متجاوزان سعودی به لرزه درآورد؛ پایلایشگاه جازان که روزگاری نماد درآمد و چرخش اقتصاد سعودی متجاوز بود، اکنون به زخمی مزمن در پریکره آرامکو بدل شده است.

روز گذشته منابع خبری از حملات جدید نیروهای مسلح یمن به پایگاه جازان شرکت آرامکو عربستان سعودی خبر دادند. المبادی در هفتمین زمینه گزارش داد که پایگاه جازان شرکت آرامکو عربستان سعودی روز دوشنبه دوباره مورد حمله نیروهای مسلح یمن قرار گرفته است. فاینشال تایمز نیز چهارشنبه داد این حمله جدیدترین مورد از سلسله حملات نیروهای مسلح یمن است که باعث شده این پایگاه با ظرفیت تولید ۴۰۰ هزار بشکه در روز، برای هفته‌ها پاداش خارج باشد.

مدیر جازان از اوایل روز دوشنبه، زمانی که حملات قبلی یمن به مخزن و مجتمع برق آسیب رساند، با ظرفیت کامل کار کرده است. تا جایی که میزان سوخت دیزل ارسالی از این محل در ماه او به صفر رسید.

فروریختن ظرفیت تولید ۴۰۰ هزار بشکه در روز جازان، تنها یک ضایعه اقتصادی برای آرامکو نیست؛ بلکه افول هیمنه نظام سعودی و فروپاشی آرامش کاذبی است که متجاوزان با پول و سلاح ساخته بودند.

سرنگون کردن یه یاد جاسوسی سعودی

اما در رخداد دیگری مرتبط با بیم، یعنی سریع، سخنگوی ارتش این کشور در بیانیه‌ای اعلام کرد: به لطف خداوند، نیروهای مسلح یمن توانستند یک پهپاد جاسوسی وینگ لونا ۴ و وابسته به دشمن سعودی را در سرتگون کنند. وی گفت که این پهپاد چرخ روز دوشنبه در حال انجام عملیات خصمانه در آستان البیضا بود که با سلاح مناسب هدف قرار گرفت. یعنی سریع اضافه کرد: این سومین پهپادی است که نیروهای مسلح یمن طی ۲۴ ساعت گذشته سرتگون کردند.

پیش از این منابع خبری گزارش دادند که نیروهای مسلح یمن
فروند پیهاد دیگر سرنوشت از CH۴ را سرنگون کرده‌اند.
نیروهای مسلح یمن با مامد روز دوشنبه در پی یانه‌ای اعلام کرد
که این پیهاد هنگام اقدام خصمانه در حرم هوابی منطقه خب
والشفیع استان الجوف با سلاح سرنگون شده است،
سختونی نیروهای مسلح یمن روز یکشنبه نیز از سرنگونی یک
فروند پیهاد در آسمان استان تعز خبر داده بود.

بقایى:

در روزهای آینده، تفاهم ایران و عمان درباره تنگه هرمز ثبت خواهد شد



اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه روز دوشنبه ۱۶ شهریور در نشست هفتگی با اصحاب رسانه به بیان مهمترین تصمیمات، اقدامات و رویکرد وزارت امور خارجه پرداخت.

سخن‌گوی وزارت امور خارجه در ابتدای نشست خبری خود با اصحاب رسانه گفت: هفته گذشته شاهد تحولات زیادی در سطح کشورمان و هم در سطح منطقه بودیم. مهم ترین اتفاق، حمله از هوای آمریکا به سیریک و شهادت اسامه بن لادن است. این حمله، از سوی جامعه جهانی و سراسر جهان تحسین و ستایش شده است. ما به خانواده‌های محترم این شهدا و کل مردم ایران تسلیت عرض کنیم و بار دیگر به یاد داشته باشیم که نمود واقعی نگاه ما به جهانیت‌ها آن، بخشی از آن، همین تجاوز نظامی بود که هفته گذشته اتفاق افتاد. مراسم جشن و سرور هموطنان در کوهستگاه سیریک مورد حمله قرار گرفت.

سو، یو ده ماه گذشته با تجاوز وضعیت مستمر آمریکا علیه کشورمان مواجه بوده ایم؛ بازگشت نظامی که از اسفند آغاز شد و به همدستی رژیم صهیونیستی تا به امروز به انهای مختلف، از جمله محاربه دریایی و جنگ اقتصادی، ادامه پیدا کرده است. جنگ اقتصادی آمریکا موج جدیدی از اقدامات فیرآمیز و غیرقانونی این کشور است که فقط علیه یک کشور، یعنی ایران نیست؛ بلکه علیه کل جامعه جهانی، علیه اصول منشور ملل متحد، علیه حاکمیت کشورهای و علیه تجارت آزاد است.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره تغییر رویکرد ایران حوزہ مذاکره و دیپلماسی پس از خروج آمریکا از توافقنامہ اسلامآباد، گفت: مذاکره مطلقا نه بد است و نه خوب، بلکه ابزاری برای پیشبرد منافع کشور و تامین منافع و امنیت ملی است. دیپلماسی، همان گونه که در ۶ ماه گذشته نشان داده، همراه و هماهنگ با سایر ارکان نظام، پشتیبان نیروهای مسلح و همدل و همصدا با ملت بزرگ ایران، در مسیر صیانت از منافع ملی گام برداشته است.

وی ادامه داد: در ادامه مسیر نیز وزارت امور خارجه تابع تصمیم‌هایی خواهد بود که در مراجع ذی ربط، از جمله شورای عالی امنیت ملی، اتخاذ می‌شود و قطعا در این مسیر با تمام توان تلاش خواهیم کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به این پرسش که آمریکا اعلام کرده است که ایران به دو ناو آمریکایی موشک شلیک کرده و حمله به نفتکش‌های آن را برپا کرده است، این بوده است. این اظهار این روایت را تأیید می‌کند؛ همچنین وزیر جنگ آمریکا آن را تهدید کرده است که در صورت حمله به ناوهای آمریکایی، نفتکش‌های ایرانی بیشتری را هدف قرار خواهد داد، پاسخ ایران چیست؟ گفت: برای کشوری که خودش را بزرگ‌ترین ابرقدرت تاریخ لقب داده است، اینکه متوسل به چنین تهدیدهایی شود، برای همه به کشتی‌های تجاری در تلافی آن چیزی که خودشان اعتراف کرده‌اند، یعنی حمله ایران به ناو نظامی‌شان، اقدام کند، واقعا هیچ افتخاری ندارد.

وی داد. اما اینکه چنین قدرتی برای فشار وارد کردن بر جمهوری اسلامی وجودش، هیچ اغفازی ندارد. روایت این مطلب ناکند است. جمهوری اسلامی ایران در موضع دفاع از خودش قرار دارد، به دلیل اما معاصر شدن، در این جنگ اقتصادی. در این شرایط، اقدامی که ایران انجام داد و ضربات داعی را علیه پایگاه‌ها و نظامی آمریکایی‌ها که با نظامی آنها وارد مبارزه شد، قطعاً در چارچوب چنین دفاع مشروع است، هر که درآمده است. منشرمل متحد نیز در این زمینه متجاوز نبوده و به رسمیت شناخته شده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره گزارش ها درباره گمانه‌زنی برخی رسانه‌ها درباره تلاش کاخ سفید برای شکل دادن به توافق جدید با ایران درباره تگه هرمز و برنامه هسته‌ای گفت: موضع ما روشن است. در رابطه با محدث مرتبط با این منطقه و تگه هرمز، آمریکا نامی را بر منطقه تعمیم داده و خود این کشور باید برای رفع آن اقدام کند. این امر از طریق توقف همه اقدامات تجاوزکارانه و مداخله جویانه، تحریم‌های اقتصادی و محاصره دریایی امکان پذیر است.

بقیالی افروز، موضوع ما از ابتدای ورود به روند دیپلماتیک روشن بوده است. زاشمی در ۱۸ خرداد به تفاهم رسیدیم، یک سرع و شفاف آنچه را که مدنظر ما در این زمینه بود را بیان کردیم. مشکل اصلی امری است که در آن زمان به ما گفته شد: «تا ۲۲ یا ۲۳ ژوئیه از امضای تفاهم، همه تعهدات خود را نقض کرد». بنابراین، اگر بخوانیم از همین اصطلاح مرسوم دیپلماتیک استفاده کنیم، همه تعهدات که توسط طرفین امری است، چرا که آن زمان آغازگندگی تجاوز نظامی بودند و هیچ توافق نامحلی که خودشان امضا کرده بودند، از نظر حقوقی و حقوقی و از امور خارج در پاسخ به این پرسش که آخرین وضعیت مذاکرات با عمان چگونه است؟ گفت: ایران و عمان به عنوان دو طرف اصلی، مذاکرات را باید برای تعیین مسیری به این طرف و آن طرف ادامه دهند. از آن زمان، مذاکرات بسیار خوبی داشته‌ایم، اگر در برهه‌هایی شاهد برخی فراز و فرودها بوده‌ایم، بخش عمده آن را باید به حساب اعمال نفوذ برخی طرف‌های ثالث گذاشت که این اعمال نفوذها نوعاً مخمل روند مذاکرات را به طریقی متوقف کرده است.

اما اکنون می‌توانیم ادعا کنیم که مذاکرات ایران و عمان به مرحله‌نهایی رسیده است. احتمالاً ظرف روزهای آینده، تفاهم ایران و عمان درباره تعیین یک مسیر موقت امن در تنگه هرمز نزد سازمان بین‌المللی دریانوردی ثبت خواهد شد. البته امیدوارم که باز هم برخی طرف‌های بدسگال در این روند مداخله نکنند و اجازه دهند این روند به شیوه‌ای معقول و منطقی پیش برود.



روایتی از پیوند خون، حماسه و مادرانگی

ژاله در خون

تجلی مادرانگی و مقاومت در خط مقدم

یکی از وجوه بنیادین و در عین حال کمتر کاویده شده واقعه هفدهم شهریور، حضور چشمگیر، جسورانه و تعیین‌کننده زنان است. تظاهرات جمعه سیاه صرفاً یک حرکت چریکی یا تحرک دانشجویی مردانه نبود، حضور زنان به این جنبش هویتی عمیقا خانوادگی، اخلاقی و مردمی بخشید.

در بررسی تاریخ شفاهی و خاطرات بازماندگان، صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای از شجاعت زنانه ثبت شده که دست کودکان خود را در دست داشتند یا خود به عنوان پیش‌قراولان تظاهرات، رودرویی لوله‌های تفنگ ایستادند. حضور زنان با پوشش چادر سیاه، نمادی از قاطعیت، باور مذهبی عمیق و طرد ا‌حاحه‌گری مدرنیزاسیون فرمایشی دربار بود. وقتی سربازان زبانه آتش گشودند، چادرهای سیاه نخستین سنگ‌هایی بودند که بر خاک افتادند. بر اساس خاطرات شاهدان عینی، شمار زیادی از شهدای دقایق نخست کشتار، زنانه بودند که با نشستن بر زمین خواستند مانع شلیک سربازان شوند. آنها گمان می‌بردند که حرمت زن مسلمان و حضور مادران، ارتشیان را از چکاندن ماشه شرمسار خواهد کرد. اما شلیک مستقیم به سمت این مادران، عمق قساوت فرماندهان نظامی را عیان ساخت. چادرهایی که با سرخی خون مطهر زنان گلگون شد، نه تنها وحشت نیافرید، بلکه غلیان غیرت و شجاعتی شگرف در میان جوانان و مردان برانگیخت. تصویر مادری که چادر خونی‌اش همچون پرچمی برافراشته شد، در حافظه تاریخ ثبت شد و میدان ژاله را به مطهر قربانی شدن معصومان زن ایرانی در مسیر آرمان‌های رهایی‌بخش بدل ساخت.

کوجهایی که بیمارستان شدند

تاریخ واقعه ۱۷ شهریور را نمی‌توان تنها در اسناد محرمانه ستاد بزرگارتش‌تاران یا گزارش‌های دیپلماتیک سفارتخانه‌ها جست‌وجو کرد؛ روایت حقیقی این واقعه در سینه‌ها ا‌هالی محله‌های پیرامون میدان ژاله، خیابان فرح‌آباد (پیروزی)، خیابان عین‌الدوله (ایران) و کوجه آبشار نقش بسته است. خاطره نگاری‌های ثبت‌شده از ساکنان این محله‌ها، پرده از حماسه‌ای عظیم از جنس همبستگی انسانی و پیوند خانوادگی برمی‌دارد.

با آغاز رگبار گلوله‌ها، خانه‌های اطراف میدان کارکرد معمول زیستی خود را از دست دادند و به پناهگاه و درمانگاه‌های صحرایی مبدل شدند. مادران و دختران خانواده در خانه‌ها را به روی



صبحگاه هفدهم شهریور ۱۳۵۷، تهران در تب غریبی می‌سوخت؛ تپ‌که ریشه در خشم انباشته دهه‌ها تحقیر و خروش راهپیمایی‌های میلیونی عید فطر داشت. هنوز خنکای نسیم دم صبح در کوچه پس‌کوچه‌های منتهی به میدان ژاله جاری بود که صدای خش‌دار رادیو، سکوت خانه‌ها را شکست؛ خبری هولناک که دیرتر از زمان معمول خوانده شد: برقراری حکومت نظامی به فرمان ارتشبد غلامعلی اویسی. اما مردم، بی‌خبر از تله شومی که زنرال‌های رژیم تدارک دیده بودند، گروه‌گروه و خانواده به‌خانواده‌راهی قلب‌تپنده اعتراضات شدند. میدان ژاله، محصور میان ساختمان‌های آرام و درختان سر به فلک کشیده، در عرض ساعاتی کوتاه به قتلگاه گل‌های سرخ بدل شد. صفوف به هم فشرده‌ای که زنان با چادرهای مشکی پیشاهنگ آن بودند، ناگهان زیر رگبار گلوله‌های جنگی قرار گرفتند تا یکی از سهمگین‌ترین و در عین حال تحول‌آفرین‌ترین نقطه‌های عطف تاریخ معاصر ایران رقم بخورد؛ واقعه‌ای که تا رویداد سلطنت پهلوی را از هم گسست.

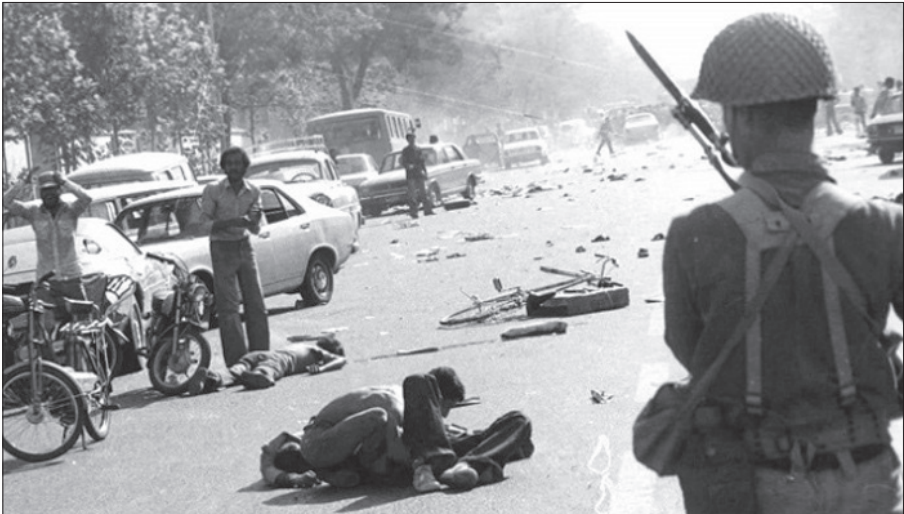
برای درک وسعت تراژدی هفدهم شهریور، باید به عقب برگشت؛ به روزهایی که راهپیمایی با صلابت نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه، اقتدار خیالی دستکته امنیتی ساواک و دربار افرو ریخته بود. آن حرکت میلیونی و گلباران تانک‌ها توسط مردم، رنگ خطری جدی برای رأس حکومت به شمار می‌رفت. پاسخ نظام پهلوی به این آگاهی‌فراینده، تشکیل دولت آشتی ملی جعفر شریف‌امامی بود؛ دولتی که ادعای مسالمت داشت اما نقاب از چهره‌اش در کمتر از دو هفته فرو افتاد.

شامگاه شانزدهم شهریور، سران نظامی و امنیتی با حضور محمدرضا پهلوی گرد آمدند تا تصمیمی سهمگین اتخاذ کنند. نتیجه این نشست محترمانه، صدور فرمان حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر بود. شگرد شوم رژیم در اجرای این تصمیم آشکار شد؛ خبر برقراری حکومت نظامی در ساعت ۶ صبح جمعه، از طریق بخش خبری رادیو قرائت شد؛ زمانی‌که خیل‌کثیری از مردم پیش از طلوع آفتاب خانه‌ها را به قصد تجمع در میدان ژاله ترک کرده بودند و هیچ دسترسی به اخبار نداشتند.

ساعت حوالی هشت صبح بود که میدان ژاله به محاصره کامل تانک‌های چپتن، زره‌پوش‌ها و سربازان مسلح درآمد. تظاهرکنندگان که به دعوت روحانیت مبارز و به منظور گرامیداشت شهدای روزهای گذشته آمده بودند، با صف‌های به هم فشرده نیروهای تا بین دندان مسلح روبه‌رو شدند. در ابتدا تصور همگان بر این بود که ارتش مانند تظاهرات روز عید فطر با تظاهرکنندگان مدارا خواهد کرد، اما فرمان آتش، بی‌هیچ اخطار جدی یا بهره‌گیری از گاز اشک‌آور و تجهیزات متفرق‌کننده شهری، صادر شد. گلوله‌های تفنگ‌های ژ-۳ و رگبار مسلسل‌های سنگین، زمین و زمان را در برابر چشمان بهت‌زده پیرو جوان شگافت. پیاده‌روها و کف آسفالت میدان، ظرف چند دقیقه به دریای خون تبدیل شد.

حجت‌الاسلام محسن قنبریان، استاد حوزه و دانشگاه: خون‌خواهی رهبر شهید، خیر عمومی برای کل منطقه است

سه‌شنبه۱۷ شهریور ۱۴۰۵شماره ۶۳۲



نگاشتند. مردم معتقد بودند زمینی که با خون مظلومان آبیاری شده، دیگر شایسته نام‌های عاریتی نیست و باید به نام ایثارگانش خوانده شود. در شب هفدهم و بامداد هجدهم شهریور، عبارت «میدان شهدا» با رنگ سرخ بر بدنه باجه‌های تلفن و پایه‌های چراغ برق حک شد. در روزهای بعد، در ترمای بیانیه‌های انقلابی، اشعار شب‌نامه‌ای و اعلامیه‌های رهبران نهضت از جمله حضرت امام خمینی و آیت‌الله طالقانی، از این مکان با عنوان میدان شهدا یاد شد. نام پیشین عملاً در مکالمات روزمره مردم رنگ باخت. شعر معروف «ژاله بر سنگ افتاد و گلگون شد... ژاله خون شد، خون جنون شد» طنین انداز این درگونی هویتی شد. با این حال، رسمیت قانونی این نام‌گذاری پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و با استقرار شورای انقلاب و شهرداری جدید تهران محقق شد. تابلوهای فلزی جدید با عنوان رسمی «میدان شهدا» نصب شدند تا تندیسی زنده از یادبود آن جمعه سرخ و نمادی ماندگار از اراده امتی باشند که نام جغرافیای زیست خود را با جوهر سرخ شرف و ایثار بازنویسی کردند.

ضربه نهایی بر مشروعیت نظام سلطنتی

جمعه سیاه، خط بلطانی قطعی بر تمام رُست‌های اصلاح‌طلبانه رژیم پهلوی کشید. پس از هفدهم شهریور، دیگر جایی برای محافظه‌کاری، مذاکره یا توهم بقای سلطنت مشروطه باقی نماند. شکاف عمیقی که با رگبار گلوله‌های میدان ژاله میان ملت و سلطنت دهان گشود، با هیچ ترفند سیاسی، جابه‌جایی نهضت‌وزیران یا استمداد از قدرت‌های غربی پرشده‌نی نبود.

کشتار هفدهم شهریور، اعتمایات سراسری به ویژه در صنعت

بازخوانی ناگفته‌های پیچیده‌ترین مانور راهبردی تاریخ اسلام

هندسه آتش بس

این دوره با راه‌اندازی شبکه‌های حمایتی مالی، به بازسازی معیشت خاندان‌های آسیب‌دیده از سرکوب اموی پرداخت و همزمان در مجالس درس و خطابه، تحریف‌های واردشده به تاریخ اسلام و مفاهیم وحیانی را تصحیح بود که سبب شد وقتی نبرد آشکارا به عمیقی در دل جهان اسلام کاشت که ریشه‌های آن در دهه‌های بعد هرگز خشکانده نشد.

دورپرده از یک قیام تمدنی

نگاه‌های تک‌بعدی و غیرجامع همواره تلاش کرده‌اند مشی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نوعی تعارض یا دوگانگی در روش بترانند؛ درحالی‌که در هندسه کلی امامت، این دو کنش، دورپرده به هم پیوسته از یک پروژه بزرگ تمدنی هستند. امام حسین (ع) خود یکی از حاضران در ماجرای صلح و از پاینده‌ترین افراد به مفاد آن تا زمان هلاکت معاویه بود.

صلح امام حسن مجتبی (ع)، نقاب نفاق و تقوای دروغین را از چهره امویان کنار زد و ماهیت سکولار و قبیله‌ای آنان را آشکارا به همین بستر آگاهی بخشید. این هجرت تشکیلاتی و ژانیه آشکارا به انکار وحی و شکستن احکام پرداخت. انحراف او برای امت اسلامی به سرعت محرز شود. اگر هندشکنی‌های بی‌درپی معاویه و شکستن بندهای صلح‌نامه در تاریخ ثبت نشده بود، قیام عاشورا از سوی دستگاه حاکم به عنوان یک شورش کور قبیله‌ای بازنمایی می‌شد. صلح، زمینه‌ادراکی لازم را برای مشروعیت‌بخشی و فهم عمیق قیام سیدالشهدا فراهم ساخت تا شمشیر عاشورا دقیقاً بر قلب ساختار تحریف‌فروید آید.

بازتعریف فتح در غبار تزویر

صلح امام حسن(ع)، شاهکاری از عقلانیت انقلابی در برابر شورش‌های کور احساسی است. در روزگاری که حتی نزدیک‌ترین یاران به دلیل عدم درک پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک و ژانیه‌های پنهان سیاست، لب به ملامت گشودند و کلمات گزنده‌نثار کردند، امام با آرامشی برآمده از عصمت، تلخی‌زبان‌ها را به جان خرید تا درخت نوپای اسلام ازگزند تیر امویان برانجامد.

این فصل از تاریخ به ما می‌آمورد که شجاعت حقیقی، تنها در به راه انداختن طوفان‌های نظامی خلاصه نمی‌شود؛ گاهی با بالاترین درجه شجاعت، مهار سلاج، صبر بر کزتابی‌های زمانه و مهندسی یک آتش بس راهبردی است که ثمره آن، احیای دین و پیروزی پایدار حق در پهنه‌تاریخ باشد. امام حسن (ع) با خون دل، تاریخ را ازگزنده نفاق عبور داد و راه را برای جاودانگی توحید هموار ساخت.

پنهان می‌خریدند. همزمان، شبکه گسترده‌ای از شايعه‌سازان در میان لشکریان امام فعال شدند تا تردید و دودلی را نهادینه کنند. انتشار نامه‌های جعلی، دامن زدن به ادعای سازش‌های محرمانه میان فرماندهان و بخش شایعه‌قتل یا شهادت ارکان سپاه، ستون فقرات اعتماد عمومی را شکست.

سازمان تبلیغاتی شام موفق شده بود با تعریف مفاهیم دینی و پوشاندن لباس مصلحت بر تن دنیاطیلی، هزینه مبارزه با ظلم را در چشم مردم کوفه به شات سنگین جلوه دهند. در نتیجه این عملیات روانی، ارتش کوفه پیش از مواجهه با ارتش شام، در میدان ادراک و باور در چار شکست روانه شده بود.

خنجر جهل و نقاب تقدس

یکی از تکان‌دهنده‌ترین فرازهای این برهه، غربت و تنهایی مطلق یک رهبر الهی در میان سربازان مدعی خویش است. خیانت عبیدالله بن عباس، فرمانده ارشد و خط‌شکن سیاه عراق، که با تاطمیع یک میلیون درهمی به اردوگاه معاویه پیوست، ضربه‌ای هولناک بر پیکره اعتماد لشکریان وارد کرد. پیوستن فرمانده‌ای که دو فرزندش بیشتر به دست عوامل معاویه به شهادت رسیده بودند، نشان داد که عمق رخنه و انحطاط اخلاقی تا چه اندازه ارکان سپاه را درخود فرو برده است. پس از فرار عبیدالله و به دنبال آن انتشار موجی از خیانت‌های زنجیره‌ای فرماندهان میانی، کنترل اردوگاه در سبایط مدائن از دست رفت. در این میان، جریان نفاق و جمود فکری به سرعت پیوند خوردند. خواجه منتظر فرصتی برای ضربه‌زدن بودند، امام را متهم به سامحه و شرک کردند. فاجعه‌زمانی رخ داد که لشکریان خودی به خیمه‌گاه امام هجوم بردند، وسایل شخصی و حتی سباده زین‌پای ایشان را به غارت بردند و در تاریکی سیاط، جراح بن سنان با خنجری زین‌خدا به وضوح نشان داد که پیشدر جنگ با ارتشی که به تئور رهبر خود اقدام می‌کند، حاصلی جز شکست و خفت‌بار، شهادت امام و یاران پاک‌باخته و تثبیت ابدی ادعای حقانیت معاویه نخواهد داشت. امام در این نقطه عطف، مأمور بود تا مانع آن شود که حق در یک تسویه‌حساب قبیله‌ای و بیوهود برای همیشه ذبح شود.

مین‌گذاری حقوقی در زمین حاکمیت اموی

صلح امام حسن (ع)، برخلاف برداشت‌های سطحی، یک تسلیم منفعلانه یا تفویض مشروعیت به حاکم نامشروع نبود، بلکه یک سند رسمی، محکم و حقوقی برای سلب مشروعیت دینی از سلطنت اموی و افشای چهره منافقانه آن به شمار می‌رفت. امام با تحمیل شروطی



نگاهی به تریلر تاریخی- سیاسی لباس شخصی که هفت سال پشت درهای توقیف ماند

نفوذی‌ها برای خرابکاری اسلحه نمی‌کشند



است. در نگاه نخست، این عبارت اشاره به ماموران امنیتی بی‌صدا و بدون یونیفرمی دارد که خارج از ضوابط اداری ماموریت‌های حساس را دنبال می‌کنند. اما لایه دوم و مهم‌تر عنوان، نقاب کسانی است که لباس «خودی» را جعل کرده‌اند. آنان پوشش و ادبیات نظام را غصب می‌کنند تا درون دایره قدرت مصونیت یابند. فیلم با جمله «به لباس شخصی‌ها بیشتر شک کن»، هشدار تاریخی را به یک رنگ خطر معاصر بدل می‌سازد. این پیام فراتر از یک ماجرای تاریخی در دهه ۶۰، به مناسبات مدیریتی امروز جامعه گره می‌خورد، در هر ساختاری که گریزش‌ها به پرپایه تظاهر، نمایش وفاداری و ادبیات افراطی استوار شود، زمینه برای سوء استفاده فرصت‌طلبانی مهیا می‌شود که منافع ملی را به تاراج می‌برند.

رقص تعلیق در محاصره کلمات

به لحاظ فنی، «لباس شخصی» اثری قیراق، جسور و وفادار به اصول تریلر سیاسی- معمایی است. فیلمساز در نخستین گام بلند خود تسلط کم‌نظیری بر فضا سازی اوایل انقلاب نشان می‌دهد. بازآفرینی فضای خفقان‌آور سال‌های آغازین دهه ۶۰، اتاق‌های تاریک بازجویی، راهروهای بی‌روح و کنتراست‌های تند نوری به تدوین هاشم مرادی، حس سوء طوط و پارانوای حاکم بر فضا را به جان تماشاگر تزریق می‌کند. همچنین شجاعت ربیعی در عبور از ویترین فریبده سوپر استارها و تکیه بر چهره‌های تثاتیری مانند توماج دانش بهزادی و مجید پتکی برگ برنده اثر است. مخاطب سابقه ذهنی کمتری از این چهره‌ها دارد و به همین دلیل آنها را نه به عنوان ستاره، بلکه به عنوان کاراکترهایی ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی در مناسبات پرخطر امنیتی باور می‌کند.

اما عیار دراماتیک اثر در بخش میانی با چالش‌ی جدی روبه‌رو می‌شود؛ جایی که روایت تصویری اندکی عقب می‌نشیند و فیلم به ورطه دیالوگ زدگی و انباشت اطلاعات گفتری می‌افتد. این کاراکترها مدار روی صندلی‌های بازجویی می‌نشینند و چارت‌های تشکیلاتی، اسامی پنهان و داده‌های غلیظ تاریخی را از طریق کلمات به تماشاگر عرضه می‌کنند. این توضیح‌های بیش از حد، گاه ریتم پرشبان اثر را دچار کندی می‌کند. از سوی دیگر، یاسر در قامت قهرمان اصلی گام از یک مأمور هوشمند امنیتی به کاریکاتوری از بازجوهای مدارم، سرکش و قانون‌گریز شبیه می‌شود؛ الگویی آشنا که هر فرمانی را نادیده می‌گیرد و به شکلی غیرواقعی همواره راه خود را بدون مانع جدی پیش می‌برد. این الگوسازی در بخش‌هایی یادآور گه‌هایی از آثار سیاسی متأخر نظیر کارهای محمد حسین مهدویان است.

نبرد راویان؛ اصالت سند یا منطق درام؟

رونمایی از فیلم در جشنواره فیلم فجر، موجی از مباحثات تند و جنجال برانگیز میان تاریخ‌پژوهان و منتقدان سینما به راه انداخت. پژوهشگران تاریخ انقلاب و

زهرا بندرفکن- خبرنگار گروه فرهنگ: در روزهای داغ و پر تنش سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، کوچه و خیابان‌های پایتخت زیر بار سنگین التهاات سیاسی نفس می‌کشیدند. تمام هوش و حواس تشکیلات نوپای امنیتی و اطلاعاتی کشور معطوف به خنثی کردن ترورهای کورخیابانی و کشف خانه‌های تیمی مجاهدین خلق بود؛ جریان بی‌پرسر و صدا، خشن و عیان که تهدیدی برای موجودیت انقلاب اسلامی به شمار می‌آمد. امیرعباس ربیعی در نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش دست روی نقطه‌ای تاریک، حساس و نادیده گرفته‌شده گذاشت، یعنی ماجرای کشف و انحلال شبکه مخفی و سازمان افسران حزب توده ایران.

داستان فیلم که تا امروز بیش از ۶۵ هزار مخاطب را به سالن‌های سینما کشانده با محوریت جوانی ۲۸ ساله به نام یاسر شکل می‌گیرد؛ نیروی تازه نفسی با بازی درون گرایانه و مهارشده مهدی نصرتی که در جریان بیماران‌های هوایی تهران د اداغار فرزند خردسالش شده است. یاسر با وجود درگیری‌های خونین شهری، نگاهش به تهدیدی بسیار پیچیده‌تر، آرام‌تر و البته خطرناک‌تر دوخته شده است. او برخلاف بدنه غالب اطلاعاتی زمانه که خطراً تنها در لوله تفنگ منافقین جست‌وجو می‌کرد، گویی بوی باروت چپ‌گرایی وابسته به کاخ کرملین را استشمام می‌کند. یاسر قدم به قدم به سمت هسته سخت حزب توده پیش می‌رود؛ تشکیلاتی زیرزمینی به رهبری چهره‌هایی چون نورالدین کیناوری، احسان طبری و مهدی پرتوی که در قالب سازمان نظامی حزب توانسته بودند تا عمق فرماندهی نیروهای مسلح نفوذ کنند و خطرات بنیادین برای کشور رقم بزنند. یاسر خلاف جهت آب شنا می‌کند تا اثبات کند مهلک‌ترین ضربه‌ها نه دروغ‌های خیابان، بلکه در سکوت دفا تر ا رداری رقم می‌خورند.

به خودی‌ها بیشتر شک کن!

مهم‌ترین مزیت «لباس شخصی» بازتعریف و معناشناسی عمیق پدیده نفوذ است. ربیعی موفق می‌شود به شیوه‌ای باورپذیر نشان دهد که خناکاری واقعی تشکیلات هیچ شباهتی به تصویر آشنای صدق‌فرمانان سینمایی ندارند؛ آنها چهره‌هایی کریه یا اسلحه به دست نیستند. عنصر نفوذی واقعی زبان انقلابی دارد، در اظهار وفاداری به نظام از نیروهای مخلص پیشی می‌گیرد و بیش از هر شخص سالمی بر طبل تظاهر می‌کوبد. هنر نفوذی‌ها در این است که با پنهان شدن پشت رادیکالیسم ساختگی، آدرس‌های غلط به تصمیم‌گیران می‌دهند تا نگاه تشکیلات را از گلوگاه‌های حساس، به حواشی بی‌اهمیت منحرف سازند.

عنوان «لباس شخصی» نیز حامل استعاره‌ای دوگانه، هوشمندانه و چندوجهی

حمایت از فلسطین و بایکوت

افشاگری بازیگر هالیوودی در ونیز

گفته شده، انجام این فیلم غیرممکن است. من برای این موضوع از آندریا تشکر می‌کنم، زیرا او به هشدارها توجه نکرد.»

به گزارش هالیوود ریپورتر، در نوامبر ۲۰۲۳، سارا ندون به دلیل اظهارات جنجالی خود در یک تجمع طرفدار فلسطین در میدان یونیون نیویورک، جنجال بزرگی به پا کرد. سارا ندون به شرکت‌کنندگان گفت، «افراد زیادی

در این زمان از یهودی بودن می‌ترسند و طعم آنچه را که مسلمان بودن در این کشور احساس می‌کند، می‌چشند که اغلب در معرض خشونت قرار می‌گیرند.»

چند روز بعد، آژانس یونایتد تالنت، که سارا ندون از سال ۲۰۱۴ با آن همکاری داشت، او را کنار گذاشت. سوزان سارا ندون تاکنون پنج بار نامزد جایزه اسکار شده و در سال ۱۹۹۵ برای فیلم «راه رفتن مرد مرده» موفق شد جایزه اسکار نقش اول زن را از آن خود کند.

سارا ندون در فیلم «اتاق پژواک» در کنار آلینا ویکاندر و لوکا مارینلی بازی می‌کند. او در این فیلم که اولین نمایش آن یک‌شنبه در جشنواره ونیز بود، نقش یک خواننده راک بازنشسته را بازی می‌کند که از بازنشستگی خارج می‌شود.

هشتادوسومین دوره جشنواره فیلم ونیز از دوم تا دوازدهم سپتامبر (۱۱ تا ۲۱ شهریور) در ایتالیا برگزار خواهد شد.



سوزان سارا ندون، بازیگر برنده اسکار در جشنواره فیلم ونیز فاش کرد که به دلیل حمایت از فلسطین، همچنان نقش‌های سینمایی خود را از دست می‌دهد و آژانس‌هایی هستند که به کارگردانان توصیه می‌کنند او را از دست ندهد.

به گزارش «آگاه» سوزان سارا ندون، بازیگر آمریکایی برنده اسکار در حاشیه جشنواره فیلم ونیز مدعی شد که به دلیل حمایت از فلسطین، نقش‌های سینمایی را از دست داده است. این بازیگر که امسال برای فیلم «اتاق پژواک» ساخته کارگردانی ایتالیایی آندریا پالارو در جشنواره ونیز حضور دارد گفت: «از نظر ساختار قدرت، من اخیراً نقش‌هایی را از دست داده‌ام، زیرا آژانس‌هایی هستند که هنوز به مردم می‌گویند مرا استخدام نکنند اما این ساختار قدرت است. فکر می‌کنم در بین مردم، قطعاً در سطح بین‌المللی، از من استقبال می‌شود. فکر می‌کنم نه تنها برای من، بلکه برای افراد دیگری نیز این اتفاق افتاده است که به آنها

در ایتالیا ترجمه شد

«انقلابی خندان»

روایت‌هایی از رهبر شهید انقلاب

کتاب «انقلابی خندان»، روایت‌هایی از زندگی و زمانه رهبر شهید امام خامنه‌ای، توسط نیکولا دی‌کولا به ایتالیایی ترجمه و منتشر شد. به گزارش «آگاه» «انقلابی خندان»، روایت‌هایی از زندگی و زمانه رهبر شهید امام خامنه‌ای، با مقدمه محمدرضا صبور، سفیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری ایتالیا در انتشارات مشترک گرین پالم و ماریو پاسکاله، از اول سپتامبر به کتاب‌فروشی‌ها و درگاه‌های فروش آمده است. این اثر را نیکولا دی‌کولا به ایتالیایی ترجمه و به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا، تقدیم علاقه‌مندان ایران در شرایط پس از ترور و تهاجم آمریکایی- صهیونی شده است.

تاریخ ملت‌ها تنها در صفحات تقویم رقم نمی‌خورد؛ بلکه در لحظاتی سرنوشت‌ساز شکل می‌گیرد که اراده، ایمان و کرامت انسانی در برابر ظلم، تجاوز و بی‌عدالتی قد برمی‌افزاند و از دل رنج‌ها و فداکاری‌ها، حماسه‌ای ماندگار متولد می‌شود. حادثه تلخ و جانکاهی که در پی تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ رخ داد و به شهادت رهبر جمهوری اسلامی ایران، جمعی از فرماندهان برجسته نیروهای مسلح و تعداد زیادی از مردم بی‌دفاع به ویژه ۱۶۸ دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه منبأ انجامید، زخمی عمیق بر وجدان بشری و ضمیر آزادگان جهان برج‌ای گذاشت. این رخداد، صرفاً فقدان شخصیت‌هایی بزرگ نبود، بلکه آزمون‌ی برای سنجش میزان پایداری انسان‌ها به ارزش‌های والا ی عدالت، استقلال، آزادی و حرمت انسان محسوب می‌شد. در چنین روزهای اندوه‌ناک سرنوشت‌ساز، دفتر یادبودی که از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا گشایش یافت، به کانونی برای تجلی همدلی، همبستگی و وجدان بیدار انسانی تبدیل شد. شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دانشگاهی، اجتماعی و نیز شهروندان شریف ایتالیا، فارغ از تفاوت‌های فکری و گرایش‌های گوناگون، با نگارش پیام‌هایی سرشار از احساس، اخلاق، احترام و انسانیت، همراهی خود را با ملت ایران ابراز کردند.

آنچه در این پیام‌ها بیش از هر چیز جلوه‌گراست، صرفاً ابراز تأسف و همدردی نیست؛ بلکه آینه‌ای از فرهنگ، اخلاق، انسانیت و شرافت انسانی‌اند؛ گواهی روشن بر اینکه در جهانی آکنده از هیا هو ی قدرت و منافع، هنوز انسان‌هایی هستند که بران عدالت را می‌فهمند، درد مظلومیت را احساس می‌کنند و در برابر رنج دیگران سکوت را جایز نمی‌شمارند. واژگان این نوشته‌ها، آمیخته با ادب، فرهیختگی و مسئولیت اخلاقی است و نشان می‌دهد که وجدان انسانی، مرزهای جغرافیای زبان و ملیت را در می‌نوردد و انسان‌ها را در دفاع از کرامت بشر به یکدیگر پیوند می‌دهد.

این کتاب، مجموعه‌ای از همین صداها ی صادق و شریف است؛ صداهایی که از قلب ایتالیا برخاسته‌اند و به نشانه احترام به مقام شهیدان، همدردی با ملت ایران و دفاع از اصول انسانی به ثبت رسیده‌اند. هر پیام، سندی است از پیوند میان دو ملت کهن، دو ملتی که تاریخ و فرهنگ آنان سرشار از احترام به دانش، معنویت، عدالت و ارزش‌های والا ی انسانی است. سندی تاریخی است که برای آیندگان روایت خواهد کرد چگونه در روزگار دشوار، انسان‌هایی از فرهنگ‌ها و باورهای گوناگون در کنار یکدیگر ایستادند و با واژگان خود پلی از دوستی، احترام و همدلی میان ملت‌ها ساختند.

امروز که این صفحات پیش روی خوانندگان گشوده می‌شود، نه تنها یاد و نام شهیدان گرامی داشته می‌شود، بلکه جلوه‌ای از همبستگی جهانی در برابر خشونت و بی‌عدالتی نیز به تصویر کشیده می‌شود. این نوشته‌ها گواه آن هستند که حقیقت را نمی‌توان خاموش کرد و یاد مردان و زنانی که در راه آرمان‌های بزرگ جان خویش را فدا می‌کنند، در حافظه ملت‌ها جاودانه خواهد ماند. امید آنکه این مجموعه نه تنها یادآور رنج‌ها و فداکاری‌های گذشته، بلکه الهام‌بخش آینده‌ای باشد که در آن عدالت برزور، حقیقت بر تعریف و انسانیت بر خشونت و تجاوز غلبه یابد؛ آینده‌ای که در آن ملت‌ها، با تکیه بر احترام متقابل و ارزش‌های مشترک انسانی، جهانی شایسته‌تر برای نسل‌های آینده بسازند.

با اعلام دبیرخانه دائمی این جشنواره بین‌المللی آثار راه یافته به جشنواره فیلم ۱۰۰ معرفی شدند



اسامی راه‌یافتگان به بخش مسابقه پانزدهمین دوره بین‌المللی جشنواره فیلم ۱۰۰ اعلام شد. به گزارش «آگاه» با اعلام دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰، در مجموع ۱۷۰ اثر موفق شدند به بخش اصلی مسابقه پانزدهمین دوره جشنواره راه یابند. این آثار به تفکیک شامل ۳۶ اثر در بخش ملی، ۲۹ اثر در بخش بین‌الملل و ۱۰۵ اثر در بخش ویژه «برای وطن» هستند. آثار منتخب این دوره از جشنواره، از تاریخ ۲۴ الی ۲۷

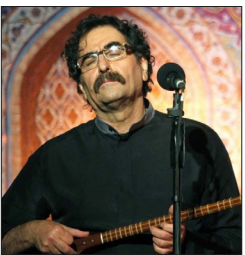
شهریور در سالن‌های اصلی حوزه هنری انقلاب اسلامی اکران می‌شوند. پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ به دبیری محمده پیرهادی، از ۲۴ الی ۲۷ شهریور در حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار خواهد شد.

با آهنگسازی تهمورس پورناظری تازه‌ترین اثر شهرام ناظری منتشر شد

شهرام ناظری، خواننده موسیقی کلاسیک ایران و تهمورس پورناظری، نوازنده و آهنگساز در قالب یک فعالیت مشترک موسیقایی از تک آهنگ «امشب» به در حال و هوایی متفاوت تولید شده است، رونمایی کردند. به گزارش «آگاه» «امشب» عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار موسیقایی این روزهای روند تولید تک آهنگ‌هاست که به خوانندگی شهرام ناظری، خواننده موسیقی کلاسیک ایرانی و آهنگسازی تهمورس پورناظری در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. در این تک آهنگ که به تهیه‌کنندگی معجد عبیدی تولید شده است، حسین منزوی شاعر، تهمورس پورناظری آهنگساز و شهرام ناظری به عنوان خواننده حضور دارند.

در متن شعر تک آهنگ «امشب» آمده است،

امشب غم تو در دل دیوانه نگیذ / کنج است و چه گنجی که به ویرانه نگیذ دور از تو چنانم که غم غربتم غمب / حتی به غزل‌های غربیانه نگیذ تنهایی‌ام امشب که پر است از غم غربت / آن قدر بزرگ است که در خانه نگیذ میخانه‌ی من سقف و ستون کو که جز آنجا / جای دگر این گریه مستانه نگیذ بیرون زده‌ام تا بدرم پرده شب را / کاین نعره دیوانه به کاشانه نگیذ



از سوی گروهی از فیلمسازان برجسته فلسطینی، عرب و بین‌المللی

آکادمی سینمای غزه افتتاح شد



حمایت، فرصت‌های یادگیری و تولید را تقویت و به فیلم‌های آنها کمک کند تا به جشنواره‌ها، پلتفرم‌ها و مخاطبان در سراسر جهان برسند.» شلح که خود بنیانگذار جشنواره بین‌المللی فیلم زنان غزه و از بنیانگذاران آکادمی سینمای غزه است، افزود، در غزه، سینما صرفاً یک شکل هنری نیست، وسیله‌ای برای حفظ حافظه، بایرایی حق ما برای شکل دادن به تصویر خودمان و دادن ابزاری به نسل جدید برای روایت داستان خود است. ما می‌خواهیم آکادمی درجه‌ای برای جوانان و زنان غزه باز کند تا فیلم‌های خود را بیاموزند، خلق کنند و بسازند و صدا و تصاویر آنها به جهان برسد. ما از شرکای خود در موسسه‌ها، دانشگاه‌ها و جامعه بین‌المللی فیلم دعوت می‌کنیم تا در ساختن این فضا سهیم باشند.

اولین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم زنان غزه از ۲۶ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۵ در میان آور در قلب نوار غزه برگزارو با «صدای هند رجب» افتتاح شد. امسال دو فیلم فلسطینی در بخش رسمی جشنواره ونیز حضور دارند: «همشوی اسامه» ساخته احمد حسونا که تصویری عکاس را نشان می‌دهد که تلاش می‌کند نقش خود را به عنوان پرور روزنامه‌نگار در حین ثبت واقعیت‌ها جنگ در غزه بازی کند و «گفت‌وگو با دریا» ساخته موید علیان، دربار هر یک مرد فلسطینی ۶۰ ساله به نام کمال که درگیر شبکه‌ای از بروکرسی‌ها در اسرائیل می‌شود.

در حالی که امسال دو فیلم فلسطینی «شهرودن اسامه» ساخته احمد حسونا و «گفت‌وگو با دریا» ساخته موید علیان در ونیز حضور دارند، آکادمی سینمای غزه کار خود را شروع کرد. به گزارش «مهر» به نقل از روایتی، گروهی از فیلمسازان برجسته فلسطینی، عرب و بین‌المللی و متخصصان صنعت سینما، روز دوشنبه آکادمی سینمای غزه را در جشنواره فیلم ونیز افتتاح کردند. در بیانیه آنها آمده است که این نهاد جدید در عین حال فیلمسازان نوظهور فلسطینی را با جامعه بین‌المللی فیلم مرتبط می‌کند و با هدف ایجاد فضایی پایدار برای آموزش، تربیت و تولید فیلم در غزه ایجاد شده است.

آکادمی سینمای غزه که حامیان چون کوثر بن هنیه فیلمساز تونس ی برنده شیر نقره‌ای ونیز ۲۰۲۵ برای فیلم «صدای هند رجب» و عضو هیات داوران ونیز و نیز کارگردان‌های دیگری چون آن ماری جاسر سازنده «فلسطین ۳۶»، مای مصری سازنده «۳۰۰۰ شب» (از بنیانگذاران آکادمی) و عزالدین شلح دارد، از حمایت بازیگرانی چون هیام عباس، رامی یوسف و صالح بکری نیز برخوردار است. گزارش‌ها بیلسه‌ایم گفته‌کننده ایتالیایی و علا کرکوتی توزیع‌کننده و از چهره‌های صنعت سینمای عرب ساکن قاهره، از اعضای آکادمی هستند.

در بیانیه آکاد می آمده است که «بر آموزش و تربیت فیلمسازان، حمایت از استعداد های جوان و زنان، توسعه و تولید فیلم‌های جدید فلسطینی، تقویت حضور فیلمسازان در غزه و ارتباط آنها با جوامع سینمای فلسطینی، عربی و بین‌المللی و ایجاد یک نهاد سینمایی پایدار در نوار غزه» تمرکز خواهد کرد. همچنین آنها به دنبال ایجاد ارتباط با جشنواره‌های فیلم و سایر نهاد های فرهنگی و همچنین صندوق‌های فیلم و شرکت‌های تولیدی هستند و در این بیانیه تأکید شده است؛ «آکادمی مشتاق ایجاد یک شبکه بین‌المللی از شرکا است که از استعداد های نوظهور فیلم در غزه



کوچ اجباری مستاجران تهران به حاشیه

سقف زندگی کوچک می‌شود

نیز با افزایش تقاضا مواجه می‌شوند و مستاجر کم درآمد بار دیگر به نقطه اول بازمی‌گردد؛ خانه‌ای که زمانی ارزان محسوب می‌شد، دیگر ارزان نیست.

یک پله پایین‌تر؛ مقصد بعدی، حاشیه تهران

سعید لطفی، دبیر اتحادیه مشاوران املاک تهران، درباره وضعیت بازار اجاره گفته است که بسیاری از مالکان ۷۵ سقف ۷۵ درصدی افزایش اجاره‌بها را رعایت نکرده‌اند و در برخی موارد، افزایش اجاره بها هنگام تمدید قراردادها به بیش از ۴۰۰ حتی ۵۰۰ درصد رسیده است. به گفته او، همه مستاجران توان پذیرش این افزایش را نداشته‌اند و بخشی از آنها ناچار شده‌اند به مناطق پایین‌تر تهران را حتی خارج از شهر مهاجرت کنند.

لطفی این روند را نوعی حرکت پلکانی توصیف می‌کند؛ مستاجران ابتدا به یک یا دو محله پایین‌تر می‌روند و اگر همان مناطق نیز از توان مالی آنها خارج شود، مسیرشان به سمت حاشیه تهران ادامه پیدا می‌کند. او از گرم‌دره، شهریار و ریاط کریم به عنوان مناطقی نام برده که افزایش جمعیت آنها نسبت به سال‌های گذشته می‌تواند نشانه‌ای از حرکت بخشی از خانوارها به سمت حاشیه تهران باشد. اما نکته مهم این است که حاشیه نیز دیگر به معنای (مسکن ارزان) نیست. لطفی تأکید کرده که قیمت اجاره در حاشیه تهران نیز افزایش یافته است، هرچند همچنان در مقایسه با برخی مناطق شهری پایین‌تر است. بنابراین مستاجری که برای کاهش هزینه اجاره تهران خارج می‌شود، الزاماً به یک بازار ارزان و بدون مشکل وارد نمی‌شود. اگر زمانی خروج از محله‌های مرکزی و جنوبی تهران راهی برای یافتن خانه ارزان‌تر بود، حالا شکل دیگری از صرفه‌جویی در حال گسترش است؛ کوچ‌چکان کردن متراژ. در چنین شرایطی، مفهوم خانه نیز تغییر می‌کند. خانه دیگر الزام جایی برای زندگی خانوادگی، استراحت و داشتن حرم خصوصی نیست؛ ممکن است تنها اتاقی باشد برای اینکه فرد، شب را در آن بگذراند.

از جنوب تهران تا حاشیه پایتخت

بر اساس مطالب و قیمت‌های میدانی بررسی‌شده، حتی در مناطقی که در گذشته جزو گرینه‌های ارزان‌تر برای اجاره نشین‌ها محسوب می‌شدند، هزینه مسکن افزایش قابل توجهی داشته است.

در احمدآباد مستوفی یک خانه ۵۰ متری حدود ۳۰۰ میلیون تومان ودیعه با ۱۰۰ میلیون تومان اجاره ماهانه عرضه شده است. یک واحد ۶۰ متری نیز حدود ۵۰۰ میلیون تومان ودیعه و ۱۳۰ میلیون تومان اجاره ماهانه دارد. رهن یک آپارتمان ۱۳۰ متری نیز یک میلیارد و ۱۳۰ میلیون تومان اعلام شده است.

در چهاردانگه یک آپارتمان با ۸۰۰ میلیون تومان رهن و پنج میلیون تومان اجاره ماهانه عرضه می‌شود. یک واحد ۵۵ متری یک خوابه در شهرک قدس نیز حدود ۴۸۰ میلیون تومان قیمت دارد.

در همین محدوده، یک سوئیت ۳۰ متری با ۵۰ میلیون تومان ودیعه و ۱۰۰ میلیون تومان اجاره ماهانه آگهی شده و یک آپارتمان ۵۰ متری در شهرک قدس با ۳۰۰ میلیون تومان ودیعه و ۱۲۰ میلیون تومان اجاره ماهانه عرضه می‌شود.

برای واحدهای بزرگ‌تر نیز رقم‌ها پایین نیست؛ یک آپارتمان ۹۰ متری در مطهری چهاردانگه، ۷۰۰ میلیون تومان ودیعه و ۱۲۰ میلیون تومان اجاره ماهانه می‌خواهد. در ماهشهر نیز یک آپارتمان ۶۰ متری با ۲۰۰ میلیون تومان ودیعه و ۱۰۰ میلیون تومان اجاره ماهانه خواهان دارد.

این قیمت‌ها نشان می‌دهد که حتی خروج از محدوده شهری تهران نیز الزاماً به معنای رسیدن به مسکن ارزان نیست. مستاجر فقط ممکن است با فاصله گرفتن از مرکز شهر، بتواند درازای پول خود متراژی بیشتری به دست آورد اما هزینه رفت‌وآمد، دسترسی به خدمات و فاصله از محل کار نیز به هزینه واقعی زندگی اضافه می‌شود. مشاوران املاک، افزایش اجاره‌بها و کاهش قدرت خرید را از عواملی می‌دانند که تقاضا برای محله‌های جنوبی را بیشتر کرده است. به این ترتیب، حتی مناطق ارزان‌تر

شهریور که می‌رسد، بازار اجاره مسکن تهران دوباره به تکاپو می‌افتد. خانواده‌ها پیش از بازگشایی مدارس، میان بنگاه‌های املاک، سایت‌های آگهی و کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر به دنبال خانه‌ای می‌گردند که با جیبشان جور باشد. اما امسال برای بخشی از مستاجران، مسئله دیگر انتخاب میان یک محله و محله‌ای دیگر نیست؛ مسئله پیدا کردن سقفی است که بتوانند از پس هزینه آن بربایند. مستاجرانی که تا همین چند وقت پیش در محله‌های پایین‌تر تهران زندگی می‌کردند، حالا برای حفظ حداقل‌های زندگی ناچار شده‌اند یک پله دیگر از شهر عقب‌نشینی کنند. از جنوب تهران به محله‌های ارزان‌تر و از محله‌های ارزان‌تر به شهرک‌ها، روستاها و مناطق حاشیه‌ای اطراف پایتخت.

روایت‌ها می‌داندن این بازار اجاره نشان می‌دهد افزایش همزمان ودیعه و اجاره‌بها، الگوی سکونت بخشی از خانوارهای کم درآمد را تغییر داده است. مستاجر دیگر لزوماً به دنبال خانه بزرگ‌تر، محله بهتر یا امکانات بیشتر نیست؛ گاهی فقط به دنبال خانه‌ای است که بتواند هزینه آن را پرداخت کند.

حسن رضانی یکی از اهالی شهرک مسعودیه به «آگاه» می‌گوید: قیمت خانه‌های اجاره‌ای در این شهرک به حدود ۸۰۰ میلیون تومان رسیده و اجاره ماهانه نیز از پنج میلیون تومان بیشتر است. همین قیمت‌ها برای خانواده‌هایی که زندگی در مسعودیه برایشان دشوار شده، سنگین است. چراکه به گفته او، قیمت‌ها تا سه برابر افزایش پیدا کرده و حالا ناچارند به روستاهای اطراف تهران فکر کنند. او می‌گوید: با پایان شهریور باید خانه پیدا کنیم. به همین دلیل دنبال خانه در اطراف تهران هستیم.

این قفط یک جایه جایی معمولی نیست. وقتی مستاجری از یک محله به محله‌ای ارزان‌تر می‌رود، در واقع بخشی از کیفیت زندگی خود را از دست می‌دهد. وقتی همین محله ارزان نیز به دیگر از توان مالی او خارج می‌شود، مقصد بعدی می‌تواند حاشیه شهر باشد.

سفر، فراتر از مقصد

افزایش علاقه مردم به ایران‌گردی در سال‌های اخیر، فرصت تازه‌ای برای شناخت مناطق کمتر دیده شده کشور فراهم کرده است. ایران با تنوع اقلیمی، فرهنگی و تاریخی خود، مقصد‌های فراوانی برای سفر دارد. از روستاهای دورافتاده و طبیعت بکر گرفته تا بناها و محوطه‌هایی که بخشی از تاریخ این سرزمین را روایت می‌کنند.

اما رونق سفر همیشه بدون پیامد نبوده است. رهاسازی زیاله در طبیعت، آسیب به پوشش گیاهی، ورود بی‌ضابطه به مناطق حساس و تخریب آثار تاریخی، از جمله چالش‌هایی است که در برخی مقصد‌های گردشگری دیده می‌شود. تجربه نشان داده است توسعه سفر، بدون افزایش آگاهی عمومی، می‌تواند همان سرمایه‌هایی را تهدید کند که انگیزه اصلی گردشگران برای دیدن آنهاست.

به گزارش «آگاه» در چنین شرایطی، رسانه‌ها می‌توانند در اصلاح رفتار عمومی نقش موثری داشته باشند. بخش گردشگری «سلام صبح‌بخیر» رادیو ایران، نیز با همین نگاه، تلاش کرده است میان معرفی زیبایی‌های ایران و آموزش رفتار درست در سفر پیوند برقرار کند.

این بخش با سرزدن به نقاط مختلف کشور، مخاطب را با جاذبه‌های کمتر شناخته شده، روستاهای بکر، آثار تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی مناطق مختلف آشنا می‌کند. روایت برنامه اما به اطلاعات جغرافیایی محدود نمی‌شود و در خلال این سفرهای شنیداری، نکاتی درباره احترام به محیط، حفظ پوشش گیاهی، مدیریت پسماند و مراقبت از میراث تاریخی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که پس از تعطیلات و سفرهای بر تعداد به چشم می‌آید، باقی‌ماندن زیاله در جنگل‌ها، سواحل و مناطق طبیعی است. تصویری که بارها به یکی از دغدغه‌های جدی محیط‌زیستی تبدیل شده است. در کنار آن، یادگاری‌نویسی روی بناهای تاریخی و آسیب‌های ناشی از رفتار نادرست بازدیدکنندگان، ضرورت آموزش عمومی را دوچندان می‌کند. سازندگان در تلاش‌اند این پیام را بدون لحن مستقیم و دستوری منتقل کنند. اینکه هر مسافر در برابر مقصدی که به آن قدم می‌گذارد، مسئول است. طبیعت، بناهای تاریخی و فرهنگ بومی مناطق مختلف، تنها منابعی برای مصرف و سرگرمی نیستند، بلکه میراثی مشترک به شمار می‌روند که باید برای نسل‌های آینده نیز حفظ شوند.

رادیو در این میان از یک ویژگی مهم برخوردار است؛ قدرت تصویرسازی. شنونده با توصیف یک آبشار، سکوت کویر، چشم‌انداز کوهستان یا معماری یک بنای کهن، تصویری ذهنی از مقصد می‌سازد و پیش از آنکه شاید روزی به آن مکان سفر کند، با آن ارتباط برقرار می‌کند. همین پیوند عاطفی می‌تواند زمینه‌ای برای حساسیت بیشتر نسبت به حفاظت از آن مکان باشد.

در این برنامه، سفر تنها پیشنهاد یک مقصد تازه نیست، بلکه فرصتی برای شناخت بهتر سرزمینی است که هر گوشه آن بخشی از هویت طبیعی، تاریخی و فرهنگی ایران را در خود جای داده است.

امروزه گردشگری پایدار یکی از ضرورت‌های توسعه این صنعت محسوب می‌شود. افزایش تعداد مسافران بدون توجه به ظرفیت مناطق و شیوه حضور در آنها، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری ایجاد کند. در مقابل، آگاهی‌بخشی می‌تواند سفر را به تجربه‌ای سازنده‌تر تبدیل کند. تجربه‌ای که در آن لذت کشف و تفریح با احترام به محیط پیرامون همراه است. بخش گردشگری سلام صبح‌بخیر رادیو ایران نیز در همین مسیر حرکت می‌کند. مسیری که می‌کوشد مخاطب را با ناشناخته‌های ایران آشنا کند و همزمان یادآور شود که دیدن و لذت بردن از زیبایی‌ها، مسئولیتی نیز به همراه دارد.

این برنامه هر روز از ساعت ۶:۱۵ تا هشت صبح از رادیو ایران پخش می‌شود. تهیه‌کنندگی این برنامه بر عهده احسان زارع است و کارشناسانی از جمله آرش قاسمی و اشکان سلیمانی اجرای بخش گردشگری آن را بر عهده دارند. بخشی که تلاش می‌کند سفر را از یک تجربه صرفاً تفریحی، به فرصتی برای شناخت و مراقبت از ایران تبدیل کند.

برگزاری هفدهمین جشنواره پژوهش و نوآوری در مدیریت شهری

اختتامیه هفدهمین جشنواره پژوهش و نوآوری در مدیریت شهری و دوازدهمین جشنواره پژوهش و آموزش در مدیریت شهری و روستایی، با حضور شهردار تهران و جمعی از مدیران شهری، ۲۳ شهریور در مجموعه تاریخی بلیدیه تهران برگزار می‌شود.

به گزارش «آگاه» این جشنواره با هدف شناسایی، تبادل و ترویج دستاوردهای علمی و تجربی در حوزه مدیریت شهری و ایجاد زمینه تعامل میان شهرهای ایران و جهان، سازمان‌ها، نهادهای و مراکز علمی و پژوهشی برگزار شده است.

در هفدهمین دوره جشنواره، یک هزار و ۸۳۰ اثر در ۲۶ محور به دبیرخانه ارسال شده که ۲۹ اثر بین‌المللی بوده و پس از ارزیابی و داوری، در مجموع ۴۱ اثر به عنوان آثار منتخب معرفی شده‌اند. براساس نتایج داوری، سه اثر سرآمد، هفت اثر برتر، ۱۵ اثر برگزیده و ۱۱۶ اثر نیز شایسته تقدیر شناخته شده‌اند که در مراسم اختتامیه از صاحبان این آثار تقدیر خواهد شد.

همچنین در بخش ارائه آثار، ۱۰۰ اثر برتر جشنواره در این مراسم ارائه و دستاوردها و یافته‌های پژوهشی آنها برای حاضران تشریح خواهد شد. گفتنی است در این مراسم، علیرضا زاکانی شهردار تهران، مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران و علی شمس‌پور رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به همراه جمعی از مدیران و مسئولان شهری حضور خواهند داشت.

افزایش انرژی‌های تجدیدپذیر به ۶ هزار مگاوات

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر از حدود یک هزار و ۵۰۰ مگاوات در ابتدای سال ۱۴۰۳ به حدود ۶ هزار مگاوات رسیده است.

شینا انصاری با اشاره به استفاده از مازوت کم‌گوگرد در نیروگاه‌های واقع در یافت‌های مسکونی افزود: سال گذشته برای نخستین بار حدود ۴۲۰ میلیون لیتر مازوت کم‌گوگرد در اختیار نیروگاه‌ها قرار گرفت و استفاده از این سوخت در نیروگاه‌ها شازند موجب شد تعداد روزهای دارای آلودگی ناشی از دی‌اکسید گوگرد در شهر اراک از ۲۸ روز در سال ۱۴۰۳ به دو روز در سال ۱۴۰۴ کاهش یابد.

انصاری، نوسازی ناوگان فرسوده را از اولویت‌های اصلی کاهش آلودگی هوا عنوان کرد و گفت: نوسازی کامیون‌ها و کشتنده‌های بالای ۵۰ سال با استفاده از گواهی صرفه‌جویی انرژی، نوسازی خودروهای سواری فعال در سکوهای اینترنتی یا خودروهای برقی و هیبریدی و همچنین جایگزینی و اسقاط ۲۰ هزار موتورسیکلت فرسوده یا موتورسیکلت‌های برقی در دستور کار قرار دارد.

وی ارتقای سازوکار معاینه فنی، نظارت بر تولید و سایل نقلیه، اجباری‌سازی استاندارد کاتالیز است و الزام انجام آزمون آلایندگی در انتهای خط تولید خودرو را از دیگر اقدامات در دست پیگیری برشمرد.

آبروی کشور در گرو سخنان مسئولان ایرانی در برابر دشمن است

مادری کنید برای ایران!

رازهایی که برملا شد

جلسه مادر و دختری با مامان نشست عجیبی بود. شبیه روز قیمتی که هنوز هم ندیدیم! اما شنیده‌ایم روز حسرت، شرمندگی و خجالت است. ما چقدر مامان را نشناخته بودیم. آن همه عشق پدر و دختری که بین ما بود و پش را به مامان می‌دادیم. همه ریز و پودش و خوش خرمی‌هایی که توی خانه سراغ داشتیم و می‌گفتم که از دولتی سر بایاست و به مامان با شوخی می‌گفتم که: «مامان خانم، به کم از بابا یاد بگیر!» و خلاصه خیلی چیزها که ما تازه فهمیده بودیم. اصلا همه‌اش را از مامان داشتیم. حتی بابا هم از دولتی دل و فهم مامان بود که برای ما خرج می‌کرد. مامان خانم ما، دستش پر بود تمام این سال‌ها و تمایلی هم به ابراز و خودی نشان دادن نداشت. آن قدر پیمانه دارایی‌هایش بزرگ بود که وقتی آن گل جهیزیه‌ای نگه‌جا هر می‌داشت باز داشتن جهیزیه هر کدام از ما، تازه متوجه شدیم بابا چه زن اسرارآمیزی زندگی می‌کردیم و چرا بابا آن روز پیش چشم همه ما بچه‌ها، دست و پیشانی مامان را بوسید.

وامانْ خرید اجباری

بعد کم‌کلی سوال توی سرمان رژه می‌رفت. اصلاً چرا مامان آن جلسه خاص مادر و دختری را نگه داشته بود درست دم ازدواج ما. وقت باززدن جهیزیه و رفتن به خانه بخت؟ چرا این هدیه‌ی ویژه را فقط به دخترهایش می‌داد و پسرهایش بی‌نصيب بودند؟ اصلاً چطور طاق‌ت پیدا کرده بود. این همه سال جهیزیه هر کدام از ما، تازه متوجه شدیم بابا چه زن اسرارآمیزی زندگی می‌کردیم و چرا بابا آن روز پیش چشم همه ما بچه‌ها، دست و پیشانی مامان را بوسید.

بقالی محله، تحریم شد!

اما ماجرای تحریم بقالی محله تا آمدن بابا هم جالب بود. مامان می‌دانست حاج علی، بقالی محله آدم باخدا و رازدار است اما حتی وقتی حاجی چند بار به مامان گفته بود که: «خواهرم تا وقتی احمد آقا بیاید، هر چیزی لازم داشتید مغازه متعلق به خودتان هست و احمد آقا خیلی حق به گردن ما دارد.» مامان جواب داده بود که: «خدا بزرگه بده، شما هم مثل پدر من و احمد آقا. کم‌وکسری نیست. اگر چیزی لازم شد، حتماً!» اما حق نداشتیم حوالی مغازه بقالی برویم چون ممکن بود چیزی هوس کنیم و احمد آقا باخبر بشود که پولمان ته کشیده است. اینها را مامان توی آن جلسه خصوصی مادر و دختری گفت: «فکر می‌کنید، آن روز برای من کاری داشت به معصومه خانم روز بزم و قرض‌کنم؟ پدرتان که آمد، پولش را برگردانم و تا آمدن بابا ما همچنان پلو، چلو بخوریم؟ پدرتان اگر متوجه می‌شدش من به من نشر می‌زد؟ نه! اصلاً، مگر خودش پیام نداده بود که هر چیزی لازم بود از حاج علی بقال بگیرید



و خودش که آمد، حساب می‌کند؟ چرا آن شب که شما از من به بابا گله کردید و بابا داشت توضیح می‌داد، حرفش را قطع ر شما را به خوردن لواشک‌های سوغاتی عمه دعوت کردم؟» سوال‌های بچجایی بود.

هدیه‌گران قیمت مامان

انگار کسی خاطره روزهای کودکی و نوجوانی ما را گردگیری کرده باشد. مامان گفت: «آبروی بابا یا مرد خانه، آبروی همه ماست. جلوی اهل نباید می‌رفت چه برسد به نااهل! آدم جلوی دوست هم نباید دم از فقر و نداری بزند. دشمن که جای خود دارد. آبرو و عزت نفس با ارزش‌ترین سرمایه عمر هر آدمی است؛ درست مثل سلامت، سینه‌ای که جلو و سپر می‌کنی و سری که بالا می‌گیری و کسی به خودش نمی‌تواند اجازه بدهد به شما بد و از سر عجز و دلسوزی نگاه کند. قیمت ندارد. دست‌تان را جلوی هر کسی دراز نکنید و آبرویان را هم دودستی حفظ کنید. اگر مرد خانه دستش خالی بود بیشتر از خود او خواستان جمع باشد که تا جایی که می‌شود، کسی از نداری شما باخبر نشود.»

این همان گران‌ترین چیزی بود که مامان به ما دخترها جهیزیه داد. بین همه حرف‌های مادر و دختری اما آن جمله هم کم جالب نبود: «توی زندگی‌تان منیره خانم نیاشید! وقتی با کسی می‌روید خرید، دقت کنید که آیا او هم خرید می‌کند یا دست‌خالی برمی‌گردد. خواستان باشد بعضی‌ها شاید دست‌خالی باشد و آن لحظه نتوانند خرید کنند. پیش آدم مریض، پیش آدم داندرو کنار آدم بی‌پول، دانسته یا ندانسته فخر سلامتی، داشتن عزیزان و ثروت‌تان را نفروشید. خدا نکند دست کسی خالی باشد و حسرت به دلش بماند. اگر چیزی خریدید یا کسی همراه شما بود حتماً برایش سهمی کنار بگذارید گاهی وقت‌ها یک لقمه ساده، آبرو و عزت نفس یک نفر را می‌خرد.»

ایران، دلش مادری می‌خواهد

از آن روزها گذشته اما هنوز هم وقتی به آن جلسه مادر و دختری فکر می‌کنم، کیفور می‌شوم. مامان می‌گفت: «بقیه برای اولادشان ملک، طلا، پول یا لوازم ارث می‌گذارند. من اما دلم می‌خواهد حرف‌هایم یادتان بماند. از مردتان چیزی نخواهید که نتواند تمین کند یا برای تهیه آن به دردر بيفتد. این سفارش مادرمان حضرت زهرا (س) است.» به حرف‌های مادر فکر می‌کنم به آبروی یک زن که به آبروی همسرش گره خورده است. به ماجرای اظهار مشکلات که دوست با شنیدن نداری شما غمنا می‌خورد و دشمن، قبیح و ستیاج می‌شود. حکایت نصیحت مادرانه مامان، کم از حکایات این روزهای ایران نیست. اعتبار و آبروی یک کشور و ملت در گرو کلماتی است که مسئول ایرانی در برابر دشمن در این نبرد اقتصادی، انتخاب می‌کند. ایران این روزها حسابه دلش می‌خواهد. از مردم گرفته تا مسئولان برایش مادری کنند.

* این روایت مربوط به یکی از شهروندان حاضر در تجمعات شبانه در میدان ابودر تهران است.

این متخصص پوست و مو می‌گوید: «البته در برخی مقالات به این موضوع اشاره شده که سولفات موجود در شامپو می‌تواند باعث تحریک مو شود. به همین دلیل، به‌ویژه برای افرادی که موهای خود را کراتینه کرده‌اند یا از مواد شیمیایی روی موهایشان استفاده کرده‌اند، شامپوهای بدون سولفات توصیه می‌شود. اما به طور کلی، شامپو چنین قدرتی ندارد که باعث ریزش مو شود».

او اضافه می‌کند: «البته کیفیت پایین شامپو به این معنا نیست که فرد را دچار طاسی یا ریزش شدید مو می‌کند. تفاوت بیشتر در وضعیت ظاهری و سلامت ساقه مو دیده می‌شود. به‌طوری‌که شامپوی نامناسب ممکن است مو را خشن، خشک و پاره‌زده کند. در حالی‌که شامپوی با کیفیت ملایم‌تر و حاوی مواد نرم‌کننده می‌تواند به خوش حالت شدن و درخشندگی مو و کاهش آسیب و شکنندگی آن کمک کند»

به گفته این متخصص پوست و مو و زیبایی، شامپوهای ضد ریزش مو معمولاً سولفات‌ها کمی دارند و کارکرد همه آنها تمیز کردن پوست سر و ساقه موها است و با داخل سرکاری ندارند. پس تأکید می‌کنم هیچ شامپویی نمی‌تواند جلوی ریزش موها را بگیرد. چه برسد به رویش مجدد موها.

بیشتر چربی از ریزه خارج می شود

محاسبات نشان می دهد هنگام تجزیه چربی، حدود ۸۴ درصد از چرم چربی از دست رفته به دای اکسید کربن تبدیل می شود و از طریق بازدم بدن را ترک می کند. حدود ۱۶ درصد باقی مانده نیز به آب تبدیل می شود که از طریق ادرار، عرق، تنفس و سایر مایعات بدن دفع خواهد شد. برای مثال، اگر بدن ۵ کیلوگرم چربی را متابولیزه کند، حدود ۸۴ کیلوگرم آن در نهایت به شش دای اکسید کربن از ریزه خارج می شود و حدود ۱۶ کیلوگرم آب تبدیل خواهد شد.

این یافته به این معنا نیست که با سریع تر یا عمیق تر نفس کشیدن می توان چربی بیشتری سوزاند. بدن زمانی سراغ ذخایر چربی می رود که مصرف انرژی در چارچوب متابولیسم و فعالیت بدنی، در کنار دریافت انرژی از غذا، شرایط لازم را ایجاد کند. ورزش با افزایش نیاز بدن به انرژی و بالا بردن میزان دی اکسید کربن تولید شده می تواند به مصرف ذخایر انرژی کمک کند. اما تعادل میان دریافت و مصرف انرژی همچنان عامل اصلی کاهش ذخایر چربی است. بنابراین صرف زیاده ازیاد به معنای چربی سوزی بیشتر نیست؛ کاهش وزن روی ترازوی اسب قرمز شدید عمدتاً ناشی از، از دست دادن آب بدن است. بخش عمده جرم چربی ای که واقعاً از دست می دهیم، در نهایت با هارپازدم از بدن خارج می شود.

وقتی صحبت از غذاهای ضد التهاب می‌شود، معمولاً نام زرد چوبه و انواع دمنوش گیاهی بیشتر از رقیبه به گوش می‌رسد؛ اما ماده غذایی ساده که تقریباً در آشپزخانه همه ما پیدا می‌شوند نیز می‌تواند نقش مهمی در یک رژیم غذایی ضد التهابی داشته باشد، سیر و زنجبیل. هر دو ماده غذایی ترکیبات ضد التهابی قدرتمندی دارند. اما کدام یک برنده است؟ هر دو ماده قرن‌هاست در آشپزی و طب سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند و پوشش‌های جدید نیز نشان داده‌اند که ترکیبات موجود در آنها ممکن است به کاهش برخی شاخص‌های التهاب در بدن کمک کند.

بخش مهمی از خواص ضد التهابی سیر به ترکیبات گوردی آن، به ویژه آلپسین، مربوط می‌شود. جالب است بدانید آلپسین در حبه کامل سیر به شکل فعال وجود ندارد. زمانی که سیر را خرد یا له می‌کنیم، یواشکس آنزیمی اتفاق می‌افتد و آلپسین تشکیل می‌شود. البته یک نکته مهم وجود دارد، بخش زیادی از این تحقیقات روی مکمل سیر یا سیر کهنه انجام شده است، نه الزاما مقدار سیر تازه‌ای که در غذا مصرف می‌کنیم. بنابراین نمی‌توان نتایج حکما را مستقیما به مصرف معمول سیر، آشپزی، تسمیم داد.

برای بهبود مندی بیشتر از ترکیبات فعال سیر، آن را ابتدا حرد یا کن کیند و چند دقیقه صبر کنید، سپس به غذا اضافه کنید. مصرف سیر خام در درس سالانه، حصص یا سالسا می تواند بخشی از ترکیبات فعال آن را بهتر حفظ کند. البته سیر خام برای بعضی افراد باعث ناراحتی گوارشی می شود؛ بنابراین بهتر است با مقدار کم شروع کنید. حتی اگر سیر را می پزید، باز هم ارزش غذایی خود را حفظ می کند. هرچند ممکن است بخشی از ترکیبات فعال آن در اثر حرارت کاهش پیدا کند.

زن‌بیل نیز مجموعه متفاوتی از ترکیبات فعال را در خود جای داده است؛ از جمله جینجیروا، شوگال‌ها، پاراول‌ها و جینجیرون. در زن‌بیل تازه، جینجیرواها نقش اصلی را دارند و خاصیت ضد التهابی قابل توجهی از خود نشان داده‌اند. اما حرارت دادن یا نگهداری زن‌بیل می‌تواند بخشی از جینجیرواها را به شوگال تبدیل کند؛ ترکیباتی که در برخی تحقیقات حتی اثرات ضد التهابی قوی‌تری نشان داده‌اند.

زنجبیل تازه را می‌توان به غذاها، سوپ، اسموتی و سس‌ها اضافه کرد. یکی از ساده‌ترین روش‌ها نیز تهیه چای زنجبیل با چند برش زنجبیل تازه و آب داغ است. هم زنجبیل تازه و هم زنجبیل پخته می‌توانند ترکیبات مفیدی داشته باشند، زیرا بخشی از جینجرول‌ها در اثر حرارت به شوگول تبدیل می‌شوند.

متخصصان تغذیه معتقدند سیرو و زنجبیل هر دو می‌توانند بخشی از یک رژیم غذایی ضد التهابی باشند، اما به دلیل داشتن ترکیبات فعال متفاوت، احتمالاً از مسیرهای متفاوتی روی فرآیندهای التهابی بدن اثر می‌گذارند.

برای درمان پرتشتی، پس اگر به دنبال یک ماده غذایی جادویی برای مبارزه با التهاب هستید، بهتر است نگاهتان را تغییر دهید، قدرت اصلی در یک ماده غذایی نیست، بلکه در الگوی غذایی کلی شماست.

منبع: eatingwell.com

A close-up photograph showing a large pile of fresh hazelnuts. The nuts are covered in their green, papery husks (involucre) which are slightly open, revealing the smooth, brown, oval-shaped shells underneath. The pile is dense and fills the entire frame.

کشاورزان منطقه گردشگری اشکور در حرم آباد استان گیلان، این روزها مشغول برداشت محصول فندق هستند. وسعت باغ‌های زیرکشت فندق در گیلان بالغ بر ۱۷ هزار هکتار است و برداشت این محصول در منطقه اشکور معمولاً از ابتدای شهریور آغاز شده و تا پایان این ماه ادامه دارد.

سورۃ البقرہ: ۱۰۷

شرکت هواوی نسخه جدیدی از موبایل دو بار تا شوی پرچمدار خود را معرفی کرد.

به نقل از روزنیر، این در حالی است که شرکت چینی مذکور می‌خواهد از موقعیت برتر خود در بازار موبایل‌های رده بالا در چین در مقابل اپل و شیائومی که ره‌رو این قرار است محصولات جدیدی را رونمایی کنند، محافظت کند. شیائومی یک موبایل تاشو رقیب نیز قرار است رونمایی کند و اپل نیز زو چهارشنبه از سری جدید آیفون رونمایی خواهد کرد.

موبایل جدید «میت ایکس تی ۲» دو بار تا می شود و پس از این شدن نمایشگرش به اندازه تبلت همراه هوشمند Pro Kirin 9۰۰۵ در اختیار کاربر قرار

می‌دهد. هواوی مدعی شده طراحی تراشه امکان ارائه قدرت رایانش بیشتری فراهم و همزمان از برق کمتری استفاده می‌کند و به این ترتیب شرکت می‌تواند بر محدودیت‌های وضع شده از سوی آمریکا برای دسترسی به فناوری‌های پیشرفته غلبه کند.

«میت ایکس تی ۲» دارای مکانیسم تاشویی بازطراحی شده و قابلیت بهبود یافته مقاومت در برابر آب نیز است. همچنین این دستگاه یک نمایشگر اختیاری دارد که مانع آن می‌شود که افراد ضعیف بتوانند محتوای نمایش داده شده روی صفحه را ببینند. این موبایل همچنین به دوربین‌های

ارتقایافته مجهز شده و بر اساس آزمایش‌های خود شرکت، در مجموع ۴۲ درصد عملکرد بهتری نسبت به نسل قبلی خود ارائه می‌دهد.

هواوی که به دلیل تحریم‌ها محصولاتش را در آمریکا نمی‌فروشد، ۲۲.۴ درصد سهم بازار موبایل چین را در سه ماهه جاری میلادی به موبایل اختصاص داد. حال آنکه سهم اپل و شیائومی از این بازار به ترتیب ۱۸.۱ و ۱۲.۴ درصد است. همچنین سلطه هواوی در حوزه موبایل‌های تاشو حتی وسیع‌تر است و در سه ماهه دوم سال، ۶۸ درصد از کل محموله‌های گوشی‌های تاشو در چین را به خود اختصاص داده است.

عظیم خراجی باکری سوارو را بستند

سرعت استارت خوردن موتور خودروی شما در حال کاهش یافتن است و موتور خودرو نسبت به قبل دیرتر روشن می شود باید صحت و سلامت باتری خودروی خود را مورد بررسی قرار دهید.

۴. روشن شدن به طور نامنظم

افزون بر آن ممکن است فرآیند روشن شدن موتور خودرو دارای استمرار نباشد. به این معنی که ممکن است خودروی شما در برخی روزها بدون هیچ مشکلی، تنها پس از یک



وظیفه باتری در هر دستگاهی، برق رسانی و تامین انرژی مورد نیاز برای شروع به کار است. اگر به هر دلیل باتری دیگر نتواند این وظیفه خود را به درستی انجام دهد، در نتیجه دستگاه مورد نظر به درستی کار نخواهد کرد. اما در بحث خودرو، موضوع کمی متفاوت خواهد بود چراکه وجود بدنام برای شارژ باتری، مانع آن می شود که به درستی تشخیص دهیم که باتری خودروی ما نیاز به تعویض دارد یا مشکل چیز دیگری

است. در این آموزش به خواهیم علائم خرابی باتری خودرو را بررسی کرده تا قبل از اینکه بخواهیم باتری خودرو را تعویض کنیم، ابتدا نسبت به غیر قابل استفاده بودن آن، اطمینان حاصل کنیم.

به طور کل وظیفه اصلی باتری خودرو تامین انرژی الکتریکی مورد نیاز برای راه اندازی از جمله مواردی که می توان آن را به عنوان یکی دیگر از علائم خرابی باتری ماشین در

موتور آن است. موضوعی که بیش از هر چیز خود را در روشن شدن موتور خودرو یا اسباب کار خوردن آن نشان می‌دهد. بنابراین اگر در مواقعی سیستم برق رسانی خودروی شما با مشکل خاصی مواجه شود این ایراد می‌تواند مربوط به باتری خودرو باشد. البته سیستم برق رسانی خودرو قطعات دیگری را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین وجود ایراد در سیستم برق رسانی آن نمی‌تواند تنها مربوط به باتری باشد.

۱. استارت ناموفق	۶. ایجاد تغییر شکل در ظاهر باتری
------------------	----------------------------------

همان گونه که اشاره شد اصلی ترین وظیفه باتری یک خودرو هنگام استارت خوردن موتور آن نمود می یابد. بنابراین وجود مشکل در هنگام استارت خوردن موتور خودرو می تواند به عنوان یکی از مهم ترین علل خاموشی ماشین قلمداد کرد. اگر خودروی شما به شکل کاملاً عادی و مستمراً کار کند اما به صورت ناگهانی هنگام استارت خوردن دیگر روشن نشود، این امر می تواند ناشی از وجود ایراد در باتری خودروی شما باشد. حال این ایراد ممکن است به خالی شدن شارژ باتری خودرو مربوط شود یا ناشی از خراب شدن کامل آن باشد.

البته این ایراد خود می‌تواند نشانه‌های مختلفی را به همراه داشته باشد. به عنوان بست‌های باتری را چک کرده و اطمینان حاصل کنید که بدون قطعی یا اتصال هستند.

مثال ممکن است علاوه بر آنکه خودرو استارت نمی خورد صدای هندل آن نیز به گوش نرسد. البته این احتمال وجود دارد که صدای هندل موتور استارت زن آن به گوش برسد اما موتور خودرو روشن نشود. این ممکن است چراغ‌های خودرو نیز روشن نشود و به‌طور کلی چراغ در حین فرمان خوردن جاری نشود. تمام این نشانه‌ها چه به صورت تک به تک و چه به شکل همزمان ظاهر شود می‌تواند

- محل اتصال بست به باتری را چک کرده و زم‌محکم بودن بست اطمینان حاصل کنید.
- در صورت امکان بست‌ها را جاکرده و سرباتری و بست‌ها را تمیز کنید.
- از درستی عملکرد استارت اطمینان حاصل کنید.
- شمع‌ها را از باتری جدا کرده و با صحت عمل چرکه زنی اطمینان حاصل کنید.
- فیوزهای مربوطه را چک کرده و از عدم خرابی آنها اطمینان حاصل کنید.

۳. کاهش سرعت استارت علاوه بر استارت نخوردن خودرو به روشن کردن خودرو نکندید. یکی دیگر از علائم خرابی باتری می‌تواند کاهش سرعت استارت خوردن موتور خودرو و دیر روشن شدن آن باشد. بنابراین اگر به مرور زمان متوجه شدی که

پاشا، بلال، و بیخ - نقاط استان تهران

در بخ، نقاط استار، هشداری داد.

کندیت با پیوسته بارش به سازه بارش به ویژه از اوج سازه سبیل
بمباد چهارشنبه (۱۳ تا ۱۷ شهریور) آورده است؛ طی این دو روز در ارتفاعات
بالادست و قله‌ها مه آلودگی، در بعضی ساعات بارش باران گاهی رگبار
گاهی وزش باد شدید تا خالی شدید موقت و رعد و برق، احتمال طوفان و
بارش تگرگ و صاعقه و در نیمه شمالی از غربی استان به ویژه در دامنه‌ها و
ارتفاعات در بعضی ساعات مه رقیق، بارش باران، گاهی وزش باد شدید
موقت، رگبار، رعد و برق، بیدبیش می‌شود.

در مناطق مرکزی استان به ویژه بخش های شمالی و غربی مرکز استان در بعضی ساعت ها مه رقیق، گاهی بارش باران و وزش باد شدید موقتی و رگبار و رعد و برق با احتمال وزش باد شدید و گرد و خاک در ازن انتظار نیست. بر اساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، از سه شنبه تا چهارشنبه کاهش نسبی دما در استان پیش بینی می شود.

آسمان تهران امروز (۱۷ شهریور) نیمه آبری از بعد از ظهر افزایش آبر در بعضی ساعات ها رگبار و رعد و برق با وزش بار شدید و گرد و خاک با حداقل دمای ۲۱ و حداکثر دمای ۳۳ درجه سانتیگراد و طی چهارشنبه (۱۸ شهریور) کمی آبری در بعضی ساعات ها افزایش آبر، وزش بار شدید و احتمال رگبار باران با حداقل دمای ۲۳ و حداکثر دمای ۳۱ درجه سانتیگراد پیش بینی می شود.